

بخش پنجم :

مذاکرات نمایندگان

کازرون

در

مجلس شورای اسلامی

کازرون و نمایندگان منتخب

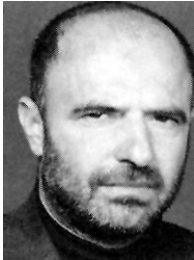
(جلد اول)

از استقرار جمهوری اسلامی تا مجلس هفتم

تألیف : غلامرضا دهقان ناصر آبادی

<http://namayandeh.kazeroon.net>

email:dehghan@kazeroon.net



نام خانوادگی و نام : طاهری، رجبعلی

تاریخ و محل تولد : ۱۳۱۵ ، کازرون

حوزه انتخابیه و استان : کازرون ، فارس

آراء مأخوذه درصد : $\frac{۲۶۸۳۸}{۴۰۰۴۵} \times ۶۷\%$
کل آراء

تاریخ و مرحله انتخاب : ۱۳۵۹ ، دوم ،

نماینده‌ی دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی.

میزان تحصیلات : علوم حوزه / علوم جدید : مقدمات / فوق لیسانس

راه و ساختمان

پرونده انتخاباتی

پرونده انتخاباتی آقای رجبعلی طاهری از شهرستان کازرون در ساعت

۹ صبح روز سه شنبه ۱۳/۳/۵۹ در شعبه ۸ مورد بررسی قرار گرفت و به

اکثریت آراء تأیید گردید.^۱

نطق پیش از دستور

رئیس - آقای مهندس طاهری تشریف بیاورید که از دیروز وقتتان را

محفوظ کرده بودند.

بسم الله الرحمن الرحيم، لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم

در آستانه اینکه مجلس شورای اسلامی وارد مرحله قانونگذاری می‌شود لازم دیدم که چند تذکر بدهم. ان شاء الله در همین هفته این بار مسؤولیت سنگینی که بر دوش شورای انقلاب بوده صد در صد به ما واگذار بشود. همین کمیسیون‌ها که در این هفته تعیین بشود کار تمام است. ما باید از کار شورای انقلاب و دولت موقت بیشتر عبرت بگیریم. متأسفانه بعضی‌ها فقط اکتفا می‌کنند به یک سری انتقادات که اغلب آنها کوبنده است و این به ضرر انقلاب است ما باید از اشتباهات عبرت بگیریم و در کار خودمان اثر بدهیم و نتیجه بگیریم. به نظر من بزرگترین اشکال در کار دولت موقت و شورای انقلاب بوده است که ما باید کاملاً به آن توجه کنیم و دیگر در شورای اسلامی و دولت آینده تکرار نشود. این است که اغلب و اکثر شورای انقلاب در یک موضع انفعالی قرار داشت یعنی گاهی لوایحی از طرف هیأت دولت که آن هم از طرف بعضی از وزارتخانه‌ها به شورای انقلاب می‌رسد و شورای انقلاب هم به علت کارهای متعدد و گاهی هم عجله، این لوایح در یک حالت انفعالی تصویب می‌شد و بزرگترین ضرباتی که بر پیکر این انقلاب وارد شد از همین رهگذر است. متأسفانه باز به علت این که بعضی از مسؤولین ما تحت تأثیر جوه‌های انحرافی و گاهی چپی بودند، به جای این که مستقلاً فکر کنند، الآن مسأله مملکت چیست و ما باید چه راهی برویم و چه لایحه‌ای تصویب کنیم بیشتر در موضع انفعالی و به خاطر ارضاء بعضی گروه‌های چپ و منحرف بر اساس خواسته و تمایلات آنها لوایحی تنظیم کردند و به شورای انقلاب دادند و در شورای انقلاب هم به علت این که افکار و نظرها متفاوت بوده تقریباً این لوایح تصویب شد و کار به این جا رسید. البته برای این که انسان در موضع انفعال قرار نگیرد، تحت تأثیر جو منحرف و چپ جامعه قرار نگیرد که یکی از کارهای مهم ضد انقلاب از روز اول این بوده که به وسیله

هجوم‌های مختلفی که به ما و به دولت و به شورای انقلاب کرده و می‌کند و خواهد کرد ما را به راه‌هایی که خودشان می‌خواهند بکشند و مسیر انقلاب را از طریق چپ و یا از طریق راست منحرف کنند. اصلاً این کار شیطان است که می‌خواهد به وسیله آن زمینه‌های انحرافی و آن ناخالصی‌ها که در یک فرد یا در یک جامعه یا در یک گروهی وجود دارد از همان ناخالصی‌ها وارد شود و از همان طریق هم هست که آن فرد یا آن جمع یا آن گروه یا هیأت دولت را یا به راه چپ یا به راست منحرف می‌کند. منظورم از راه راست انحراف از راه راست است همان طوری که دائماً در سوره حمد و در نماز ما از خداوند می‌خواهیم اهدنا الصراط المستقیم. این جا اشاره می‌شود به خط مستقیم انحراف به چپ که همان مغضوب علیهم است که غضب خداوند بر این‌ها است. و دسته دوم که انحراف به راست یا راست‌روها و راست‌نماها باشند همان ضالین هستند که از جاده و خط مستقیم منحرف شده می‌دانیم که علت این که انسان، فرد یا گروه یا جامعه‌ای منحرف می‌شود از طریق چپ یا راست به علت این است که آن شخصیت اسلامی آن و زن و ثقل اسلامی که باید کسب کند نکرده است همان طوری که حضرت امیر فرمودند که الناس ثلاثه. فعال ربانی و متعلم علی سبیل نجاه و همج رعاع اتباع کل ناعق یمیلون مع کل ریح این جا مسأله برای ما روشن می‌شود که آن دسته‌ای از ائمه و عالمان ربانی هستند که آن پیشوایان بشر و بشریت هستند و در حال حاضر برای مسلمین جهان نایب امام زمان امام خمینی هستند (نمایندگان - سه بار صلوات فرستادند).

رئیس - شما یک دقیقه دیگر وقت دارید.

مهندس طاهری - که آن نایب و همان عالم ربانی است. دسته دوم کسانی هستند که شیعه و پیرو این خط امام هستند که علم را یاد می‌گیرند

برای این که خود را نجات بدهند یعنی از تمام بندها و اسارت‌ها ببرند. دسته سوم آنهایی هستند که جاهل هستند و شخیت ندارند، تقوی ندارند و ای‌ها اینجا تعبیر شده است به همیج الرعایشه ، که همراه باد هر جهتی میل می‌کند یا صدای هر الاغی را تبعیت می‌کند ، پس این جا بر ما لازم است برای اینکه تحت تأثیر قرار نگیریم، ممکن نیست، مگر این که علم کسب کنیم این جا هست که ما ان شاء الله در برنامه خودمان قرار بدهیم که مجلس شورای اسلامی د رگوشه و کنارش مجالس کوچکتري مجلس علم، هم علم دین ، هم علم روز، هر دو توأم با هم کسب کنیم تا در مجلس به راحتی و زودتر توافق کنیم.

رئیس - وقت شما تمام شد.

مهندس طاهری - نکته دیگر این که...

رئیس - این نکته را کوتاه بفرمائید چون وقت دیگر تمام شده است نیم دقیقه فرصت دارید.

مهندس طاهری - مسأله‌ای که باز در این هفته مطرح است، مسأله نخست وزیری هست که آن را هم باز باید از این رهگذر اشاره کنیم که در این مسأله هم نباید مجلس در یک موضع انفعالی قرار بگیرد، بلکه چون وقت کم است پیشنهاد من این است که ...

رئیس - پیشنهاد شما روشن شد، حالا در این مسأله حق تبلیغ هنوز به کسی نداده‌اند.

اجازه بدهید چون وقتتان تمام شده است.

مهندس طاهری - فقط می‌خواستم آقای رئیس جمهور تاسی کنند و همانطور که امام کاندیدا معرفی نکردند ایشان هم نخست وزیر تعیین نکنند و به مجلس واگذار کنند یک پیشنهادی که ...

رئیس - شما با همه مظلوم‌نمائی‌تان یک قدری هم به حق متجاوز هستید.^۲

تذکر آئین نامه‌ای

آقای موسوی تذکر آئین نامه‌ای دارم.

طبق ماده ۴۱ باید قبلاً کلیه طرحها و لوایح و سؤالات در اختیار مجلس گذاشته بشود. ولی نوع سؤالاتی که مربوط هست به این نمایندگان از وزارت کشور برای ما روشن نیست و من به نظرم می‌آید که سؤال انحرافی هست و یک سر قضیه ...

و یک سر قضیه که مربوط است به توطئه و کارهای خلاف...

افرادی هستند که مغازه‌ای دارند از قبیل مشروب فروشی و جوانان ما به عنوان امر به معروف و نهی از منکر...

ما باید طبق ماده ۴۱ بدانیم که سؤال چه هست. ما این جا نیامده‌ایم که فقط مستمع باشیم که بحث بین الاثنین بشود.

پس گوش دادن برای ما چه هست؟ سؤالات به ما ابلاغ نشده، پخش نشده است.^۳

اخطار قانون اساسی

بسم الله الرحمن الرحيم . لاحول و لا قوه الا بالله العلی العظیم.

دیروز یک تلگرافی از مردم محترم کازرون مبنی بر حادثه دانشگاه به دست من رسید که احساس وظیفه کردم...

رئیس - این اخطار قانونی نیست.

مهندس طاهری - اشاره کنم به اصل ۱۱۰ که وظیفه مجلس شورای اسلامی است در قانون صریحاً ذکر شده است که وقتی راجع به رئیس

جمهور مسأله‌ای پیش می‌آید کفایت و عدم کفایت ایشان باید بررسی بشود.

به نظر من این در قانون اساسی هست.

اصل ۱۱۰ هست.

وظیفه وکلای مجلس هست یا نیست؟ بنده سؤالی دارم.

رئیس - اگر هم باشد جزو وظایف مجلس است اما جزو وظایف امروز که نبوده است ما که تخلفی نکرده‌ایم خواهش می‌کنم ادامه ندهید.^۴

مخالفت

برای اعتماد به فرد ما کلاً دو طریق داریم. یکی طریقه اجتهادی است که این که انسان فرد را شخصاً به طور کامل بشناسد.

دوم طریق اعتمادی هست که از طریق واسطه می‌تواند بر فردی اعتماد کند. و در اسلام برای این شیوه، شهادت دو نفر عادل را حداقل لازم دیده است که اگر گاهی به یک نفر تقلیل پیدا کند آن شهادت ارزشی ندارد. مسأله وزارت اقتصاد و دارائی و همچنین وزارت بازرگانی حیاتی‌ترین مسأله مملکت و در واقع حیات اقتصادی انقلاب ما به این دو وزارتخانه بستگی دارد. اگر باز من می‌دانستم، متأسفانه در این فرصت کم مجال نبود که از طرز فکر این دو وزیر اطلاع پیدا کنم در زمینه اقتصاد، که آیا این‌ها اقتصاد اسلامی می‌خواهند پیاده کنند، و شناخته‌اند یا اقتصاد سرمایه‌داری یا سوسیالیستی، در برخوردهای زیادی که بنده با افراد داشتم، خیلی افراد تحت عنوان "مبارزه با اقتصاد سرمایه‌داری" می‌روند به سمت اقتصاد سرمایه‌داری دولتی یعنی سوسیالیستی که به مراتب ضرر آن از سرمایه‌داری بیشتر است. یعنی هر دو ضد اقتصاد اسلامی است و اقتصاد اسلامی (نه شرقی، نه غربی) چیز دیگری است و در بین تحصیل کرده‌ها کمتر کسی بنده دیدم که اقتصاد صحیح اسلامی را شناخته باشد. از این طریق بنده

نتوانستم اعتماد کنم و اما قبل از جریان حادثه دانشگاه، یعنی روز چهارده اسفند ماه ۱۳۵۹ افرادی که از این طریق به مجلس معرفی می‌شدند. آنهایی را که می‌شناختم به اجتهاد شخصی رأی می‌دادم و به آنهایی که شناخت نداشتم به اعتماد دو شخص عادل یکی نخست وزیر و دیگری ریاست جمهور، رأی موافقت می‌دادم. اما بعد از جریان چهارده اسفند اگر قبل از چهارده اسفند برای بنده عدالت و تقوا و کفایت سیاسی رئیس جمهور تحت سؤال و شک بود. اما امروز برای من یقین هست که ایشان کفایت سیاسی ندارد و امضاء او برای بنده اعتماد آور نیست. و لذا چون یک شاهد عادل این دو نفر را به عنوان وزیر تأیید و معرفی مجلس کرده است باید برای اطمینان کامل حتماً از طریق دو شاهد عادل انسان اطمینان پیدا کند. به این دلیل بنده رأی مخالف می‌دهم (همه‌هه نمایندگان) و البته کانال قانونی که در قانون اساسی معین شده است و برای اطمینان بیشتر پیش بینی شده است یکی تأیید و انتخاب نخست وزیر است و دوم تصویب ریاست جمهوری است.

نفر دوم یعنی ریاست جمهور از نظر بنده عدالت خودش را از دست داده و کفایت سیاسی ندارد و در مجلس الآن فرصت این نیست که دلایل بسیاری وجود دارد از ۱۷ شهریور تا به امروز، و الآن بحث درباره کفایت سیاسی ایشان نیست.

اجازه بفرمائید، و اما باز هم اگر به طور طبیعی که اطلاع صحیح دارم اگر به طور صحیح و به طور طبیعی طبق قانون اساسی اول جناب نخست وزیر، ایشان انتخاب کرده بودند بعد هم ریاست جمهور تأیید کرده بود، بنده موافق بودم اما ابتدای امر افرادی را رئیس جمهور انتخاب کرده‌اند و به نخست وزیر عرضه شده، بعد نخست وزیر بین آنها افرادی را انتخاب

کرده است. این شیوه انتخاب بر خلاف قانون اساسی است. و باز این جهت بنده به این دلیل مخالفت می‌کنم.^۵

اخطار قانونی

اخطار من بر اساس اصول ۴۳ و ۴۴ است. در این تصویب نامه، مضمونش این است که، در قانون اساسی قانونی وجود دارد که بازرگانی خارجی دولتی و انحصاری است. اما در اصل ۴۳ بند ۵ صراحت دارد که هرگونه انحصار و هم چنین اعمالی از قبیل ربا، اینها کلاً ممنوع هست و اصل ۴۴ هیچ گونه صراحتی بر این ندارد که بازرگانی خارجی ملی و دولتی است، بلکه... (یکی از نمایندگان - این عین صراحت است آقای طاهری) اجازه بفرمائید بنده از خود قانون استفاده بکنم. اجازه بفرمائید من حرفم تمام نشده است. در آخر اصل ۴۴ آمده است که باید ضوابط اصل ۴۴ را قانون معین کند، یعنی فرض کنید قبل از این که تجارت خارجی ملی شده است باید اصل موضوع به عنوان یک قانون در مجلس مطرح بشود، اگر تصویب شد که بازرگانی دولتی انحصاری بشود، آن موقع است که باید به دولت تکلیف کرد که لایحه تنظیم کند.

اگر این تذکر وارد نباشد، بنده تقاضای مسکوت ماندن لایحه را دارم. برای این که پیشنهادم این است که باید اصل ۴۴ یک جا در مجلس بررسی بشود و قانونی برای کل اقتصاد کشور مشخص بشود و اگر ما بخواهیم یک بعدی برخورد کنیم، بنده تقاضای این است که مسکوت بماند و پیشنهادم این است که طبق آخر اصل ۴۴ قانون باید اصول و ضوابط اقتصاد ما و روابط خصوصی و تعاونی و دولتی را معین کند.^۶

نطق پیش از دستور

" بسم الله الرحمن الرحيم، لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم "

قبل از این که وارد مطلب مهم و اساسی بشوم مقدمه جمله‌ای عرض می‌نمایم که ان شاء الله مفید واقع بشود. با پیام امام، که این پیام همچون پیام‌های گذشته، راهنما و دستورالعملی برای همه مسئولین و نهادها و ملت ایران می‌باشد و مهم ترین ضامن حراست از انقلاب، تبعیت کامل از فرمان رهبر است. امیدوارم که همه ما این پیام را آویزه گوش خود بنمائیم. در این پیام اشاره شده بود که همه به قانون اساسی برگردیم و قانون را محور کار خود قرار دهیم و هر کس از قانون تخلف کرد به مردم معرفی شود. همان طور که بنده قبلاً عرض کرده بودم، به نظر من در جریان های گذشته شخص رئیس جمهور تخلف کرده بودند. (هممه و اعتراض نمایندگان) (یکی از نمایندگان - گذشته را نباید یاد آوری کرد) بله، بنده از گذشته می‌خواهم عبرت بگیرم و بر گذشته هم نمی‌خواهم قضاوت کنم، اما هر نماینده‌ای مسئول کلام خودش است و شما هم هر چه حرف بزنید وقت مجلس را می‌گیرید وقت من سر جای خودش محفوظ است) (یکی از نمایندگان - آقای طاهری اگر امام درست کنند شما مرتب می‌آئید خراب می‌کنید) هر چه شما شلوغ کنید وقت مجلس گرفته می‌شود من باید حرفم را بزنم (رئیس - آقای مهندس تذکر دادم که شما مسائلی از این قبیل نفرمائید) آگاه باشند و روشن باشد (یکی از نمایندگان - مردم آگاه هستند شما دارید خلاف می‌کنید) در هر صورت اتمام حجتی به همه ما و به همه نهادهای انقلابی شده است بنده می‌خواهم این را عرض کنم که جناب آقای رئیس جمهور متوجه باشند که قانون را زیر پا نگذارند و اگر قانون را رعایت نکردند و تخلف از قانون کردند و مصوبات شورای نگهبان را قانونی ندانستند، بنده از جمله کسانی هستم که از

مجلس تقاضا خواهم کرد به کفایات سیاسی ایشان رسیدگی کند (همه‌مه و اعتراض نمایندگان) ان شاء الله که همه ما... (رئیس - من تذکر دادم آقای مهندس که در این مقوله صحبت نکنید) و اما مطلب دیگر مسأله اساسی ما مسأله (همه‌مه نمایندگان).

آقای رئیس جمهور هم باید توبه کرده باشند و دیگر تخلف نکنند و اگر تخلف کردند، وظیفه مجلس است که به تخلف رئیس جمهور هم رسیدگی کند. (یکی از نمایندگان - ایشان به امام اهانت می‌کنند) مسأله دیگر راجع به جنگ است و حوزه انتخابیه خودم (عده زیادی از نمایندگان به عنوان اعتراض از جلسه بیرون رفتند) قبلاً تخلفی واقع شده است ان شاء الله همه توبه کرده اند و دیگر تخلفی نشود (رئیس - شما بحث را عوض کردید و از حوزه انتخابیه خودتان صحبت کنید) شهرستان کازرون از قبل از انقلاب ... (محلاتی - آقای هاشمی، ایشان مخالف دستور امام عمل کرده است و باید پرونده‌اش به کمیسیون تحقیق برود).

مسأله اساس و حفظ انقلاب بستگی به جنگ ما با امپریالیست دارد و باید توجه اصلی همه ما به مسأله جنگ باشد و این جنگ را تا آخر ادامه دهیم و هر مسأله فرعی که ضربه‌ای به این جنگ می‌زند خیانت به انقلاب اسلامی است، باید اساس کلیه کارها و حتی نهادها همه در رابطه با مسأله جنگ با امپریالیزم که الآن دست امپریالیزم در منطقه، صدام خائن است همه نیروها را در این جهت قرار بدهیم و ان شاء الله به امید خدا و رهنمودهای امام در این مرحله سوم از انقلاب اسلامی پیروز بشویم و دست این خائن را در منطقه کوتاه نمائیم تا در مراحل بعدی بتوانیم به طور کامل امپریالیزم جهانی را نابود کنیم (صحیح است) در همین رابطه مردم قهرمان کازرون تا کنون دهها شهید و صدها پاسدار و بسیج و نظامی به منطقه اعزام داشته‌اند و هم اکنون مشغول هستند و می‌جنگند. هزارها

آواره در خود جا داده و از آنها نهایتاً پذیرائی می‌نماید. از نظر مالی و اقتصادی آن چه در توان داشته‌اند به این‌ها کمک نموده‌اند و من از آنها تشکر می‌نمایم. همین امروز تشییع جنازه شهیدی است به نام محمد دهقان که این فرد قبل از انقلاب در زمان طاغوت به قصد شهادت جلو رفته بود تیر خوره بود اما خوشبختانه جان به سلامت برد، سالم شد، خوب شد و بارها به جبهه جنگ رفت اما در این اواخر بود که به رحمت ایزدی پیوست. مطلب مهمی را که می‌خواستم عرض نمایم که آن هم پشتوانه اصلی جنگ با امریکا است و اگر آن مسأله اساسی را حل ننمائیم ممکن است ضربه‌ای به جنگ وارد آید. آن مسأله اقتصادی است. برادران، مهمترین مسأله حکومت، اقتصاد است و اگر اقتصاد ما در خط صحیح یعنی صراط مستقیم یعنی همان خطی را که اسلام معین کرده است در آن خط وارد نشویم و حرکت ننمائیم. نهایتاً به شکست می‌رسیم و روز به روز وضع ما بدتر و تورم و گرانی بیشتر می‌شود. همان‌طور که تمام دستورات الهی علم مطلق است و بالاتر و بهتر از علم نسبی بشری است، دستوره‌های اقتصادی و ضوابط اسلامی در رابطه با مالکیت، علم مطلق است باید ما باور کنیم. ایمان بیاوریم که این دستورات علم مطلق و تنها راه نجات اقتصاد بشر است. شما ببینید در جهان چه نظام‌های سرمایه داری، چه نظام‌های سوسیالیستی هر دوی این‌ها گرفتار تورم و روز به روز وضعیتشان بدتر و روز به روز کسر بودجه دولتها بیشتر می‌شود، چرا بیشتر می‌شود؟ چون که در صراط مستقیم، در خط اقتصادی صحیح اسلامی نیستند ما باید هر چه زودتر روند حرکت اقتصادی مان از گذشته که یک روندی از سرمایه داری به سمت سرمایه داری دولتی است یعنی سوسیالیستی هر چه زودتر باید تغییر جهت بدهیم، یعنی باید روند و حرکت اقتصادی مان به سمت اقتصاد اسلامی باشد. اقتصاد اسلامی، نه

منطبق با اقتصاد سرمایه داری است، نه منطبق بر اقتصاد سوسیالیستی است. متأسفانه به علت این که اقتصاد اسلامی را خوب نمی‌شناسیم آنهایی که فهمیده‌اند اقتصاد سرمایه داری اقتصاد خلافی است. اقتصادی است که بشریت را استثمار می‌کند. سه دقیقه از وقتم را به آقای شجونی داده‌ام.

در رابطه با مبارزه با اقتصاد سرمایه داری و رژیم کاپیتالیستی این‌ها می‌غلطند به سوی سوسیالیست و متأسفانه در بعضی افراد این چنین مشاهده شده است. اقتصاد سرمایه داری دولتی بیشتر خواهد شد، فساد آن بیشتر خواهد شد اگر محصول رژیم سرمایه داری بشر را به صورت حیوانات در می‌آورد، رژیم سوسیالیستی بشر را به صورت ابزار و شیئی و نبات در می‌آورد تنها مکتب اسلام است که انسان را، انسان و آدم می‌نماید. پس ما باید ان شاء الله از دولت بخواهیم طرحی را که بر اساس اصول اسلامی باشد و هر چه زودتر باید اقتصاد ما به سوی اسلام بیاید یعنی مالیاتها، مالیات اسلامی شود، زکوٰه که یکی از مالیاتهای مهم اسلامی است باید در رژیم جمهوری اسلامی زنده شود. اصلاً ما به فکر این نیستیم که باید زکوٰه بگیریم، عده‌ای می‌آیند در مقابل کلام امام، جو سازی می‌کنند که فرموده‌اند بند (ج) متوقف بشود بند (ج) اگر اقتصاد ما را بهتر می‌کرد امام تأکید می‌کردند که چه بیشتر و زودتر اجرا شود. بند (ج) باعث شد که کشاورزی ما از بین می‌رود، مدارک و آمار زیادی است در جاهائی که بند (ج) اجرا شده تولید کم شده است. بنده آمارش را دارم هر کسی قبول ندارد بیاید نشانش می‌دهم، بلکه به جای اینکه می‌خواهید بند (ج) اجرا شود خواستار اجرای اصل ۴۹ شوید که اصل ۴۹ می‌گوید. باید کلیه زمینها و ساختمانها و اموال غصبی را هر کجا که هست چه کم یا زیاد از آنها پس گرفته شود و همچنین ربا و چیزهای دیگر. چرا اصرار نمی‌کنید چرا نمی - خواهید اصل ۴۹ اجرا شود؟ چرا با غاصبین مبارزه نمی‌کنید؟ مگر غصب،

کم و زیاد دارد غصب که شد چه کم و چه زیاد. بنده چون وقتم تمام است به همین جا ختم می‌کنم و نظریات خودم را راجع به اقتصاد به صورت یک جزوه‌ای تقدیم می‌کنم.^۷

اخطار قانون اساسی

اصل ۵۷ کاملاً تکلیف را برای ما روشن کرده است که قوای حاکم در جمهوری اسلام قوه قضائیه و مقننه و مجریه هر سه زیر نظر ولایت امر هست یعنی هیچ وقت مجلس نمی‌تواند تکلیفی برای امر تعیین کند. ولی امر یعنی صاحب تمام امور یعنی امام هست که به مجلس و قوه مجریه و قوه قضائیه دستور می‌دهد.

رئیس - این را من به شما جواب دادم ، ما الآن هر قانونی که می‌گذاریم تکلیف برای رهبر هم هست یعنی هر قانونی را که بگذرانید، روابط اجتماعی رهبر هم مشمول همین قانون است.

مهندس طاهری - خیر، آن قوانین عادی است ولی...

رئیس - چه فرقی می‌کند این هم یک قانون عادی است.

مهندس طاهری - ولی هیچ وقت مجلس نمی‌تواند به ولی امر و امام امت

دستور بدهد.

رئیس - این حرف را که یک بار زدید. من می‌گویم هر قانونی را که

مجلس بگذارند شامل رهبر هم می‌شود.^۸

نطق پیش از دستور

بسم الله الرحمن الرحيم. لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم.

درباره حادثه روز جمعه چون اکثر مردم و نمایندگان محترم قضیه خوب برایشان روشن نشده لازم بود که دوسه دقیقه مطلب کاملاً روشن بشود. استاندار فارس از نمایندگان فارس دعوت کردند به آن جا ، چون سمیناری بود و ما روز جمعه در آن سمینار بودیم و برای افطار من خودم دعوت داشتم منزل برادرم آقای دکتر طاهری، ما رفتیم آن جا برای افطار ولی ایشان در جای دیگری دعوت داشتند باتفاق رفتیم در جای دیگر، چند دقیقه بعدش عده‌ای از خانواده آقای دکتر برای دیدن ایشان (چون روز قبل مطب ایشان را ضد انقلاب آتش زده بود. این نکته را هم عرض کنم که ایشان مطبش تمام وقت در اختیار مردم است و اخیراً هم به پیشنهاد ایشان ویزیت دکترهای فارس از مبلغ‌های بالا به مبلغ بیست تومان تثبیت کردند و قرار گذاشتند دکترهای عمومی که ویزیتشان حداکثر بیست تومان باشد) به خاطر این خدمات عده‌ای از بستگان به دیدن ایشان می‌آیند، حدود ساعت ۹ ضد انقلاب که مسلم شده از گروه مجاهدین خلق بودند و به قصد ترور بنده و برادرم و شاید احتمال می‌دادند عده‌ای از نمایندگان آن جا هستند به قصد ترور این ها وارد منزل می‌شوند، از دو طرف وارد حال می‌شوند، و با وجود این که می‌بینند آن جا کسی نیست و آنهایی که مورد نظرشان نیست و یک عده بچه و پیرمرد و پیرزن هستند، همه این ها را به رگبار مسلسل می‌بندند، به طوری که درجا سه نفر از این ها کشته می‌شوند و بقیه هم زخمی می‌شوند ، فقط من می‌خواستم ملت ایران را توجه بدهم به ماهیت مجاهدین خلق، که این ماهیتشان است که اینهایی که طرف هستند، می‌خواهند بنده را ترور کنند بیایند افراد بی گناه و بی طرف را به این وضع فجیع ترور می‌کنند، فقط نکته اصلی این است که ملت ایران مخصوصاً هوادار اینها، چون عمل نشانگر ماهیت گروه است، این عمل اینها است بنده گناه کار، خیلی خوب، تصویب کردند ترور انقلابی من و

برادرم و سایر نمایندگان را، خوب وقتی می آیند می بینند در منزل یک مشت پیرمرد و پیرزن و بچه کوچک است، قاعدتاً باید ول کنند، همین گروه مجاهدین در سابق موقعی که می خواستند یک آمریکائی را ترور کنند، آن قدر دقت می کردند که مبادا راننده سرهنگ آمریکائی ترور بشود، پس ای ملت ایران وای هواداران مجاهدین خلق و سایر گروههای ضد انقلابی دقت کنید به نظر من همین یک عمل کافی هست برای بطلان اینها، در ضمن اینکه من تسلیت می گویم به بستگان برادرم، ولی خوب این شهادتی در آخر ماه مبارک تبریکی است که آنها به لقاء خدا پیوستند و تبریک عرض می کنم و خیلی خوشبخت هستم که ان شاء الله و از خداوند می خواهم که بنده هم بالاخره پس از این که وظیفه ام را انجام بدهم. در این راه شهید بشوم، و از شهادت هیچ هراسی ندارم، در این ماه همه ما دعا کردیم « وقتلا فی سبیل الله وفق لنا» ولی به هیچ عنوان نمی توانند ملت رزمنده ایران را از صحنه خارج کنند. در ضمن عرض می کنم که یکی از افراد منزل که عضو بسیج بود، جوان خردسال ده، دوازده ساله ای فوری اسلحه ای که آنجا بوده برمی دارد و می گوید ترسوها نروید بایستید و یکی از اینها را می زند، خوشبختانه یکی از آنها آنجا جزای خودش را می بیند و دیگری فرار می کند. یکی هم مسأله حوزه انتخابیه کازرون در آخر ماه مبارک رمضان (رئیس - وقتتان تمام است) نزدیک افطار یکی از علماء کازرون به نام آقای دانشجو که پیش نماز مسجد، پیش نماز مردمی که قاطبه مردم به او اقتداء می کنند، هیچ مسؤولیت دولتی هم نداشته است، نه قاضی شرع بوده، نه چیزی بوده، باز از همین گروهک منافقین موقعی که می خواهد وارد منزل بشود از پشت سر ناجوانمردانه او را ترور می کنند و من این ترور ناجوانمردانه و فقدان ایشان را به مردم محترم کازرون هم تسلیت عرض می کنم و هم تبریک می گویم.

والسلام علیکم ورحمۃ اللہ وبرکاتہ.^۹

نطق پیش از دستور

بسم الله الرحمن الرحيم،

دیروز به علت ضیق وقت نشد که راجع به حضرت حج الاسلام عبدالرحیم دهقان مطلب لازمی گفته بشود. لذا لازم بود که جهت برادران محترم عرض کنم که حجه الاسلام آقای دانشجو یکی از روحانیون خدمتگزار مردم کازرون بوده است و سابقه بسیار روشنی داشتند، به طوری که قبل از انقلاب و همچنین بعد از انقلاب تمام مردم از خوبی‌های او حتی خود گروهک منافقین موقعی که اعتراض می‌کردند به حساب خودشان به ارتجاع ایشان را به عنوان یک فرد سالمی قبول داشتند. اما از آنجا که وقتی خداوند می‌خواهد ماهیت گروهی را برای مردم و ملت ایران روشن کند دست به چنین جنایاتی می‌زند که در آخر ماه مبارک یعنی شب عید فطر بعد از آن که نماز جماعت را در مسجد می‌خواند و برای افطار به منزل می‌رود با گلوله گروهک مجاهدین خلق، به جوار حق و افطار خودش را با شربت شهادت انجام می‌دهد که واقعاً سعادت و فیض بزرگی به او می‌رسد که همه ما آرزوی چنین شهادت‌ها را داریم. باز همان طوری که دیروز عرض کردم واقعاً این عملیات جنایت کارانه که اینها می‌کنند و با توجه به این عمل تمام مردم کازرون به تشییع جنازه می‌آیند و سه روز شهر را تعطیل می‌کنند که امروز روز سوم آن است به اینها مخصوصاً به هوادار آنها نشان می‌دهد که عمل اینها عمل باطلی است و جا دارد یک کمی فکر کنند و به خود بیایند و از این راه باطل برگردند. بلکه عمل آنها نتیجه عکس داده است، همه مردم خشم و غضب نسبت به مجاهدین روز به روز در دل آنها افزوده می‌شود. من همین جا چون وقت تمام است از

طرف خودم و مجلس شورای اسلامی به تمام بازماندگان و مرد محترم کازرون و ملت رزمنده ایران تبریک و تسلیت عرض می‌نمایم .
والسلام علیکم و رحمه الله و بر کاته.^{۱۰}

اخطار قانون اساسی

طاهری - آقای موسوی ، من اخطار قانون اساسی دارم.

نایب رئیس - بفرمائید.

طاهری - بسم الله الرحمن الرحيم ، اخطار من این است که خود ستاد بسیج یک مؤسسه قانونی نیست و قبل از اینکه ستاد و اساسنامه ستاد تصویب نشده به هیچ عنوان ما نمی‌توانیم لوایح یا مجازات قبل از تصویب قانونش را اینجا مطرح کنیم.^{۱۱}

مخالف با پیشنهاد

بسم الله الرحمن الرحيم ، لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم.
مقدمتاً باید عرض کنم که ان شاء الله تمام برادران و خواهران همه یک هدف مقدس دارند و نیت شان خیر هست و همه می‌خواهند که راهی انتخاب کنند در تجارت که نهایتاً به نفع توده محرومین بشود، من در این موضوع شکی ندارم که ان شاء الله همه نیت شان این هست و بحثی که در مجلس بشود در واقع می‌خواهم یک راه اصلاحی انتخاب کنیم و همه ما قبول داریم که وضع تجارت موجود، وضع بدی هست و به ضرر مردم و محرومین هست و در آن فساد زیاد است، این را هم همه قبول داریم و موارد هم زیاد هست و می‌خواهیم راهی برویم که ان شاء الله از تورم و گرانی و احتکار و فسادهای اقتصادی بکاهیم نه افزوده بشود. آنچه که

تجربه جهانی و تاریخی و در خود ایران در این دو، سه ساله به ما نشان داده و هم چنین از لحاظ اصول علمی هم قابل اثبات هست این است که هر چیزی که دولتی می‌شود، به عبارت دیگر ملی می‌شود و انحصار دولت می‌شود ما اکثراً بلکه قریب به اتفاق دیده‌ایم که نتیجه اش بالعکس بوده است من در این باب زیاد مثال نمی‌زنم برای این که مثال خیلی زیاد هست...

یکی از نمایندگان - مطالب شما خلاف قانون اساسی است.

طاهری - به عنوان مثال شرکت واحد، روز اول که خصوصی بود، با بلیط خیلی کم سود می‌داد و مردم هم راضی بودند، بعداً درباریها به خاطر این که این شرکتهای خصوصی، سود خوبی داشت در سال ۳۸ - ۳۹ در انحصار خودشان کردند و چیزی نگذشت که آنها دیدند آن سودی که منظور داشتند از این شرکتها به دستشان نیامد و ضرر می‌کردند لذا واگذار کردند به شهرداری، به دولت و در واقع دولتی شد و از آن روز تا امروز هر چه کوشش شده که بلکه جلوی ضرر گرفته بشود ما می‌بینیم روز به روز ضررش خیلی بیشتر است به طوری که اگر امروز بلیط واحد ۶ تومان فروش برود، ترازنامه مساوی می‌شود یعنی نه ضرر داریم نه سود و این در خود کشور شوروی که اولین کشوری هست که پیش قراول سیستم سوسیالیستی بود با توجه به جوّی که آن روز بود (شعار برای دولتی کردن بازرگانی خارجی) ولی افرادی که واقعاً به واقعیتها فکر می‌کردند و مسؤول مملکت بودند، مثل شخص لنین، ایشان سخت مخالفت کرد با این که تجارت دولتی بشود به خاطر اینکه می‌دید وضع مملکت از نظر تورم و گرانی و وابستگی بیشتر می‌شود این مثالها در این زمینه زیاد است و اما برای این که واقعاً ما بتوانیم، مجلس به طور کلی بتواند در لوائح خوب تصمیم بگیرد و راه صحیح و احسن برود باید بتواند خودش را از جوّ و

جوّهائی که از خارج القاء شده دور کند. همه ما اگر خوب به تاریخچه تجارت خارجی نگاه کنیم می‌بینیم که قبل از انقلاب در هیچ کتابی و در هیچ مجلسی بحث از تجارت خارجی نبوده است موقعی که امام در پاریس بودند یا قبلاً که در نجف اشرف بودند هیچ جا به عنوان یک مسأله اصلی و یک شعاری مطرح نبود. حالا این جا باید ما سؤال کنیم که چطور شد آن روزی که بحث تجارت خارجی در مجلس خبرگان بود، آن موقع تمام گروههای چپ و راست و تمام گروههای وابسته به آمریکا جوسازی می‌کردند و شعار می‌دادند که تجارت خارجی، دولتی بشود. این مسأله قابل توجه است و من دوست دارم که برادرها روی قضیه یک کمی تحلیل کنند، توجه کنند که آمریکا که شیطان بزرگ هست و همیشه کارش این است که از اصل کلی کلمه الحق یراد بها الباطل، از راه القاء شبیه امثال اینها القاء کند و در همه جا نفوذ کند و انحراف ایجاد کند آنجا چطور شد که تمام این گروهها شعار می‌دادند و متأسفانه (جوّ جامعه را من دارم می‌گویم). بعد از این (هادی غفاری - تذکر قانون اساسی دارم) باز می‌بینم که این القائات و این شعارها هست پس اینجا نتیجه می‌گیرم که...

نایب رئیس - آقای مهندس اجازه بفرمائید. آقای غفاری اخطار قانون اساسی دارند.

یکی از نمایندگان - مخالفت با اصل قانون اساسی که نمی‌شود کرد.

طاهری - بحث جوّ جامعه است و شعارهایی که چپی‌ها می‌دادند.

غفاری - بسم الله الرحمن الرحيم، فرمایش ایشان دقیقاً بر خلاف قانون اساسی است، اصل چهل و چهارم. در این جا قانون اساسی تقسیم کرده نظام اقتصادی مملکت را ...

نایب رئیس - شما اصل ۴۴ را بخوانید.

غفاری - « نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، مشخصاً این جا قید شده است که این بخش دولتی است و ایشان فرمودند که این یک شیوه آمریکائی است یا شیوه لنینیستی است. ولی اصلاً به لنین مربوط نیست.

طاهری - حرف من را شما ملتفت نشدید.

نایب رئیس - بسیار خوب، خود آقای مهندس توجه کردند. آقای طاهری! بحثتان را به شیوه‌ای ادامه ندهید که با اصل قانون اساسی مخالف باشد.

زرهانی - مخالف قانون اساسی نمی‌توانند صحبت کنند.

طاهری - من مخالف قانون اساسی نیستم.

نایب رئیس - در مخالفت با لایحه می‌توانند صحبت کنند.

طاهری - قانون اساسی را تا به آخر بخوانید، آخرش نوشته است. اصولی که در این بند هست اگر بر خلاف رشد اقتصاد جامعه هست، باید در مجلس بررسی بشود و قانونش تصویب بشود. یعنی در آخر همین اصل ۴۴ نوشته است که: مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است بنده حالا می‌خواهم روی همین اصل ۴۴ با این لایحه‌ای که به مجلس آمده توضیح بدهم که این لایحه به ضرر جمهوری اسلامی است، به ضرر اقتصاد ما هست و اقتصاد ما را بدتر می‌کند و گرانی را در جامعه بیشتر می‌کند، راجع به این لایحه می‌خواهم

حرف بزمن من صحبتتم راجع به این لایحه است و اسم آمریکا و کس دیگری را هم نمی‌آورم.

نایب رئیس - یعنی شما در کلیت این که تجارت خارجی می‌تواند دولتی باشد که مخالف نمی‌توانید باشید شما ممکن است در کیفیتش در جزئیاتش...

طاهری - در جزئیات اگر بخواهیم حرف بزیم ، می‌فرمائید در جزئیات حرف نزنید.

الآن بحث کلیات است بنده در کلیات حرف دارم، در جزئیات هم حرف دارم. (یکی از نمایندگان - بحث در کلیات است) بحث در چه باید بکنیم؟ در جزئیات بحث است من در جزئیات وارد می‌شوم، در کلیات است در کلیات ، بالاخره در کلیات یک نفر به عنوان مخالف چطور باید صحبت بکند؟

نایب رئیس - آقای مهندس شما نمی‌توانید بفرمائید که دولتی شدن بازرگانی خارجی، را من قبول ندارم چون این مخالف قانون اساسی است. شما ممکن است بفرمائید که این لایحه در کلیت می‌تواند پیاده کند آن اصل قانون اساسی را. در کلیات لایحه می‌خواهد بگوئید مخالفم. شما نمی‌توانید با اصل این که بازرگانی خارجی، دولتی بشود مخالف باشید.

طاهری - اصل چهل و چهار را کاملاً قبول داریم و هیچ حرفی هم روی آن نیست و از این که بازرگانی خارجی باید زیر نظر دولت باشد یا قسمتی از آن و یا تمام آن دولتی باشد، بنده در این حرفی ندارم. مسلماً دولت باید نظارت کامل داشته باشد و در مجلس تصویب بشود که تمامش دولتی بشود یا نصفش دولتی بشود این مربوط به این لایحه می‌شود در اصلش ، که مربوط به قانون اساسی بشود من هیچ مخالفتی ندارم در هر صورت با این تجربیاتی که در عرض همین یکی دو سال به ما نشان داد،

به عنوان نمونه قضیه آهن. موقعی که آهن در دست بخش خصوصی بود با قیمت نازل تری به دست مردم می‌رسید ولی موقعی که در بعضی از شهرستان‌ها و استان‌ها به دست دولت افتاد ما ناظر هستیم که می‌بینیم آهن امروز با کیلوئی چهارده ، پانزده تومان هم هنوز به سختی به دست مردم می‌آید.

نایب رئیس - آقای مهندس شما در جزئیات می‌توانید بفرمائید که به شیوه‌ای عمل بشود و آن شیوه را هم خودتان ارائه بفرمائید که این مشکلات وقتی می‌شود پیش نیاید. اما شما می‌خواهید بگوئید با اصل دولتی شدن بازرگانی مخالف هستید؟

طاهری - خیر، با شکلش مخالفت دارم با دولتی کردن آن ، به معنی عام کلمه به آن معنی که در قانون اساسی آمده است در بند ۲ و بند ۵ اصل ۴۳ قانون اساسی ما هست که هر نوع انحصار ممنوع است. تجارت خارجی یک نوع انحصار کردن است و یک نوعش هم این است که دولت نظارت کامل داشته باشد به طوری که تمام حرکت‌های اقتصادی، معاملات ، خرید و فروش با خارج را کلاً زیر نظر بگیرد.

نایب رئیس - ضمناً توجه بفرمائید مخالفین بیش از نیم ساعت وقت ندارند که شما یازده دقیقه را گرفته‌اید.

طاهری - و اما مخبر کمیسیون فرمودند که « اگر تجارت در دست تجار باشد وابستگی به وجود می‌آورد » من می‌خواهم این را عرض کنم که آن فتوایی که امام دادند در این جا یک قسمت از قضیه فقط مطالعه شد و خوانده شد، به طور کلی به هر شکلی که ما معامله کنیم با کشورهای خارج چه به وسیله دولت و چه به وسیله تجار، از این جهت هیچ فرقی نمی‌کند و اگر درست برخورد نکنیم درست معامله نکنیم و اصول کلی را در نظر بگیریم وابستگی ایجاد می‌کند و صنعت داخلی را از بین می‌برد.

و این منحصر به تجار نیست. دوم این که ایشان فرض کردند، به طور کلی بخش خصوصی که در قانون اساسی هم پیش بینی شده است که در قانون ما در جمهوری اسلامی برای بخش خصوصی هم حقی و حقوقی هم قائل شده و اگر مجلس تصویب کند، همین طوری که در این لایحه پیش بینی شده است « تا مدتی بخش خصوصی می تواند قسمتی از تجارت ما را در دست داشته باشد» در همین قانون که الآن در دست ما است این معنی پیش بینی شده پس در قانون اساسی برای بخش خصوصی هم حقی قابل هستیم، لذا این طور برخورد کردن که به طور کلی بخش خصوصی و تجار کلاً فاسد هستند و این ها عین نمایندگان آمریکا در ایران عمل می کنند و می خواهند مملکت را وابسته کنند این ندیدن فرهنگ اسلامی ما است توده مردم ما مسلمان هستند... (یکی از نمایندگان - آقای موسوی کسی چنین حرفی نزد فقط یک عده ای سود جو هستند به طور کلی فرمودند که تجار، مطلق کردند...

نایب رئیس - آقای مهندس این جا چنین صحبتی که نشد. که همه تجار چنین هستند. اصلاً چنین چیزی گفته نشد.

طاهری - مفهوم این بود البته من عین مفهوم را می گویم.

نایب رئیس - حالا شما یک کمی کوتاه تر بفرمائید چون بقیه مخالفین هم می خواهند صحبت کنند.

یکی از نمایندگان - آقای موسوی اصلاً صحبت کردن ایشان مخالف قانون اساسی است چون قانون اساسی تجارت خارجی را تصویب کرده است.

طاهری - بحث بر سر این است که آخر این قانون باید حتماً در این مجلس بررسی بشود که آیا در زمان فعلی با این مدت ضرورت دارد؟ لذا بنده مخصوصاً روی زمانش که در یک زمان کمی و به طوری که ضرورت

ها در مجلس بررسی نشود، این مسأله همان حکم ثانی است که امام اخیراً به مجلس اجازه دادند که در مسائل ضروری که تضاد با حکم اولیه دارد در این جا بحث بشود لذا باید در این مسائل قلم به قلم، قسمت به قسمت بحث بشود که کدام یک از اقلام لازم است که فوراً انحصار دولت بشود و ضرورت دارد و مجلس که تصویب کند البته قانونی است و همه باید عمل بکنند بحث من روی قسمت ضرورتها است که یک جا و یک کاسه کل کالا و تجارت را یک جا انحصار کردن عاقبتی جز این که هم تورم بیشتر بشود و هم وابستگی بیشتر بشود و هم فساد در جامعه بیشتر بشود ندارد. من بیش از این صحبت نمی کنم و بقیه وقت را برای دیگران می گذارم.^{۱۲}

نطق پیش از دستور

بسم الله الرحمن الرحيم، لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظيم.
الحمد لله تمام توطئه های آمریکا شیطان بزرگ در زمینه های مختلف چه در زمینه نظامی چه در زمینه ناسیونالیستی و لیبرالیسم و همچنین در زمینه های متعدد تا کنون به حول و قوه خدا افشاء شده و ختنی شده. اما متأسفانه یک توطئه هست که هنوز این توطئه آمریکا در کشور ما کاملاً افشاء نشده و این توطئه در زمینه اقتصاد ما است. آمریکا برای این که از نظر اقتصادی ما را از پا در بیاورد، یعنی به طور کلی در همه زمینه ها برای این که انقلاب را منحرف کند و نابود کند و به شکست برساند در همه زمینه ها توطئه کرده و می کند و ماهیتش توطئه کردن است و ان شاء الله به حول و قوه خدا و رهنمودهای رهبر تا آخر می جنگیم و او را نابود خواهیم کرد، اما باید دائماً توجه داشت و فکر کرد و توطئه ها را خوب

شناخت. در زمینه اقتصاد به دو گونه تا کنون عمل شده. اول این که از ابتدا و از قبل از انقلاب سعی شده که آن ارزش‌هایی که در دین ما هست در رابطه با کل مسائل و اقتصاد، این‌ها را وارونه جلوه دهد. آن چه در اسلام وسیله است کوشش کرده به عنوان ارزش یا ضد ارزش نشان بدهد و آن چه ارزش هست سعی کرده آن را به ضد ارزش تبدیل نماید. حضرت رسول فرمود که: آخرین مرحله‌ای که شیاطین در جامعه و در آخرالزمان کوشش می‌نمایند برای فساد جامعه، این است که کاری می‌کنند که معروف منکر و منکر معروف شود با آن که وسیله است برای رسیدن به ارزش یا ضد ارزش، وسیله را ارزش و ضد ارزش معرفی می‌نماید و این قضیه به این شکل در اقتصاد ما از اوّل ظهور پیدا کرده و القاء شده در اسلام مسأله مالکیت و کار کردن و کسب ثروت برای اصول اسلامی که در فقه ما و در رساله‌ها معین شده اگر کسی از آن سیر کسب مالی و ثروتی بکند و سرمایه‌ای به دست بیاورد و بعداً آن را هم در راه اسلام در راه خدا به کار بیندازد، این یک ارزش است و پیش خدا و پیش مسلمین ممدوح است و فرهنگ ما فرهنگ ضد استکباری و ضد کفر و شرک مشفق است و اگر کسی ثروتی، مالی، از راه حلال به دست آورد به عنوان این که شخص سرمایه دار، مالی دارد. این مذموم نیست، این یک ضد ارزش نیست. یعنی اگر فردی یا شرکتی به عنوان مثال چند نفر با هم شریک شوند کارخانه گچ سازی در جامعه به وجود بیاورند و ده، دوازده نفر، پانزده نفر کارگر دارند یک شرکت خصوصی دو، سه نفر شریک شده‌اند، ده، بیست نفر هم کارگر اینها هستند و اینها کار می‌کنند به فرض این که روابط اینها عادلانه و اسلامی باشد در اسلام این قبول است، اما در فرهنگ مارکسیستی آن فردی که از این طریق مالی به دست آورده به عنوان یک ضد ارزش و کافر شناخته می‌شود. زیاد تبلیغ شده در جامعه ما «مطلق

سرمایه داشتن» و این یک مرض است و یک ضرر است برای انقلاب ما، برای جامعه ما که صرفاً ما یک ثروت افراد، (مطلق ثروت) من باز تأکید می‌کنم که قضیه یک وقتی ایجاد ابهام نکند روی مطلق ثروتی که به دست آورده او را به عنوان ضد ارزش به عنوان این که این فرد، فردی است غارتگر فردی است دزد، و امثال این القاب را به او نسبت می‌دهند و به این وسیله آمریکا این را هم باید عرض کنم که مارکسیست‌های ایرانی آلت دست آمریکا هستند و آمریکا یکی از پایگاه‌هایی که در ایران دارد و القاء ایدئولوژی - ایدئولوژی می‌کند و القاء شبهه می‌کند همین مارکسیست‌ها و گروه‌های چپ و گروه‌های منحرف و منافقین هستند. تمام این گروه‌ها و همچنین گروه‌های راست و لیبرال کلاً به نظر من آمریکا در تمام اینها دست دارد، پایگاه دارد و اینها را به اشکال گوناگون می‌چرخاند و می‌رقصاند. لذا اینها از ابتدا برای اینکه جو جامعه ما را غیر اسلامی و مسموم کنند و اقتصاد ما را فلج کنند و کل اقتصاد ما را نابود کنند آمدند این فرهنگ را در جامعه به وجود آوردند که هر که سرمایه دار است او غارتگر است، او دزد است و لذا جنگ میان برادران مسلمان یعنی از یک طرف برادری مسلمان به عنوان این که من چیزی ندارم و دیگری مسمان و متعهد به عنوان این که تو سرمایه دار هستی و غارتگری ما را به جان هم انداخته اند تا بتوانند به این وسیله اقتصاد ما را فلج کنند باز تأکید می‌کنم آنها کار ندارند به این که این سرمایه دار از کجا آورده. حلال و حرام برای آنها معنی ندارد، یعنی توطئه این است، توطئه همیشه از راه کلمه حق یراد به الباطل پیش می‌آید یعنی شیطان همیشه دست می‌گذارد روی یک سری واقعیات و حقیقت و بعد به کمک آن حق، حق بزرگتری را می‌گیرد و پایمال می‌کند و نابود می‌کند یعنی ما قبول داریم که فساد در اقتصاد ما در نظامی که در گذشته بوده است در بازار ما در تجارت ما،

قبول داریم که فسادها و انحرافات مسلماً هست که ما ان شاء الله باید مبارزه کنیم و تمام انحرافات اقتصادی را از جامعه دور کنیم و اقتصاد صحیح اسلامی را ان شاء الله باید پیاده کنیم ولی توطئه دشمن این است که می‌خواهد از این انحراف‌ها و فسادهایی که در جامعه ما هست یک فساد بزرگتری جایگزین کند و آن فساد بزرگتر این است که آن چه معروف است به عنوان منکر جلوه بدهد و این خطر بسیار بزرگی دارد و خطرش این است که در جامعه این طوری عکس‌العمل نشان می‌دهد من فقط یک نمونه را که با چشم خود دیدم و هر نماینده هم می‌تواند برود تحقیق کند و ببیند می‌گویم. در بین کازرون و ممسنی شاید نماینده ممسنی هم بداند شخصی هست به نام ملک فخار یک کارخانه گچی دارد او یکن خودش کارگر است، در عین این که کارخانه دار است ولی آن جا کار می‌کند و ده، پانزده نفر هم کارگر دارد کارگران این کارخانه از همان روز بعد از انقلاب تحت تأثیر جوی که حاکم شده بود بر اقتصاد ما، جو انحرافی به عنوان این که باید با سرمایه دار مبارزه کنیم و سرمایه دار یعنی دزد و غارتگر لذا همین کارگرا تحریک شدند و آمدند که این فخار را که خود یک کارگری است که دست‌های او پر از پینه است و به نظر من از تمام آن کارگرا در این کارخانه بیشتر کار می‌کرد به عنوان سرمایه دار او را راه ندادند که بیاید سر کارخانه و در واقع آمدند و کارخانه اش را که کل کارخانه اش به نظر من سیصد هزار تومان یا چهارصد هزار تومان بیشتر ارزش نداشت این کارخانه را مصادره کردند این مرد هم از آن جایی که مردی بود مسلمان، گفت خیلی خوب آن روز تا به حالا من کار می‌کردم و می‌دادم به شما کارگران می‌خوردید. از این به بعد هم یک کارگر و کارخانه مال شما من فعلاً توی کارخانه هستم. ایشان سر کار خودش رفت خانه نشین نشد همین کارگرا مدتی کار کردند دیدند خیر، آن

حقوقی هم که قبلاً گیرشان می‌آمد دیگر گیرشان نمی‌آید. کارگراها رفتند روی پای این فرد که باصطلاح آنها سرمایه دار بود و تحت تأثیر جو القائی آمریکائی به وسیله مارکسیست‌ها شده بود التماس‌اش کردند که بیا و ما نخواستیم تو بیا و مدیریت کن، مثل گذشته کار کن تا یک حقوقی هم گیر ما بیاید نتیجه القائات و توطئه آمریکا در ایران هزارها نمونه مثل این دارد. (رئیس - دو دقیقه وقت دارید) در جامعه موقعی که ما ارزش‌ها را بر اساس معیارهای اسلامی برای مردم روشن نکنیم و روشن نشود و خود مایک جا بیائیم شرکت‌های خصوصی را ضد ارزش معرفی بکنیم. تاجر و بازاری را ضد ارزش معرفی کنیم سرمایه دار را مطلقاً ضد ارزش معرفی کنیم تنش آن در جامعه به آن صورت درمی‌آید که چهار تا روستائی، یعنی کسی که دو هکتار زمین دارد او را به عنوان فئودال از روی زمینش محروم می‌کنند و نتیجه نهایتاً اقتصاد ما فلج و نابود می‌شود اصرار بنده همه‌اش روی این است و از تمام نمایندگان خواهش دارم که توجه بفرمایند به این توطئه آمریکا و این طوری با مسائل برخورد نشود که ما مطلقاً بازاری و سرمایه دار و کارخانه دار و بخش خصوصی عین به اصطلاح الگوهای مارکسیستی که آن هم توطئه خود آمریکا است در ایران ، این طوری برخورد کنیم که از آن طرف کارگران ما و زارعین ما خصمانه با افرادی که صادقانه می‌خواهند به این انقلاب کمک کنند برخورد کنند و یک جو خصمانه و متضاد به وجود بیاید که اصل «انما المؤمنین اخوة» از بین می‌رود و بین ما تضاد و درگیری به وجود می‌آید و هم این که کل اقتصاد ما نابود می‌شود. مقدم بر هر چیزی این است که برای اقتصاد اولاً جو سالم به وجود بیاوریم من از مسئولین و از دولت و از نخست وزیر و رئیس جمهور محترم می‌خواهم که اول آن جو صحیح اسلامی را در جامعه حاکم نمایند تا افرادی که مسلمان هستند متعهد هستند و علاقه

دارند که از راه اقتصاد به این مملکت خدمتی بکنند این‌ها جرأت کنند و سرمایه‌گذاری کنند و هم کارهای کوچک کوچک، کوره‌های دستی خود، کارخانه‌های گچ‌سازی دستی خود را به راه بیاندازند و راحت کار کنند از بس که مارکسیست‌ها در جامعه ما شعارهای انحرافی دادند امروز ما گرفتار یک استکبار کارگری هستیم باید با استکبار کارگری هم عین استکبار مصلین عین استکبار عبادی، مبارزه کرد استکبار در هر طبقه‌ای به هر شکلی به ضرر انقلاب است و امروز در جامعه ما استکبار کارگری را به وجود آورده‌اند این هم از توطئه‌های آمریکا است،
والسلام علیکم ورحمۃ الله و بر کاته.^{۱۳}

نطق پیش از دستور

بسم الله الرحمن الرحیم،

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی علیرغم پیام و دستور اخیر امام که بایستی همه ارگانها و نهادها مخصوصاً دادرای انقلاب عملی بر خلاف شرع و قانون ننمایند دیروز در روزنامه‌ها خبری مبنی بر تخلف کمیته امور صنفی که کامیونی که حامل سه و نیم تن برنج از بابل به تهران بوده آن را به عنوان قاچاق توقیف نموده و حال آن که همه می‌دانیم نه امام قاچاق بودن برنج و نه خرید و فروش و حمل و نقل آن را صادر نموده‌اند و نه مجلس و شورای نگهبان چنین قانونی را تصویب کرده‌اند و نه هیأت دولت می‌تواند چنین قانونی را تصویب نماید. لذا این جانب رسماً از دولت سؤال می‌نمایم که این چه جریانی است؟ و خواهش دارم وزیر

مربوطه در مجلس حاضر شده ، جواب دهد. رجبعلی طاهری نماینده کازرون.^{۱۴}

طرح سؤال

طرح سؤال آقای مهندس طاهری از آقای بهزاد نبوی وزیر مشاور در رابطه با طرح برنج و ارجاع آن به کمیسیون

بسم الله الرحمن الرحيم،

ابتدائاً مقدمه‌ای عرض می‌کنم تا اصل سؤال کاملاً روشن شود . چون این سؤال یک مقداری در ارتباط با ستاد بسیج و سایر کارهای ستاد بسیج اقتصادی هست من لازم می‌دانم که یک جمله عرض کنم که اصولاً کارهائی که تا کنون ستاد بسیج در رابطه با توزیع و کوپنی کردن قند و شکر و بنزین و امثال اینها کرده اینها کارهای بسیار خوب و مورد تأیید اینجانب و همچنین مردم ایران هست و هم چنین اصولاً هر چه من برخورد داشتم اکثراً بلکه قریب به اتفاق همه از کالاهائی که روی آن سوبسید هست دولت روی آن واقعاً کاری می‌کند که اینها به طور عادلانه تقسیم بشود و یا سوبسید حذف بشود همه راضی هستند و بنده هم به نوبه خودم تشکر می‌کنم و اما چون این کار برنج هم یک مقدار کاملاً مربوط به ستاد بسیج هست این است که کاملاً باید دید مسأله طرح برنج از سایر اعمال ستاد بسیج جدا شود که مبدا به کارهای خوب آن خدشه وارد شود و اما موضوع از این قرار است که قبل از جریان انفجار در مرکز حزب جمهوری اسلامی قبل از هفتم تیر ماه در وزارت بازرگانی و به طور کلی در ستاد بسیج مطرح بود که برنج را دولتی کنند مخصوصاً در آن دو استان اما در آن زمان معاون وزیر بازرگانی که مسؤول این کار بود مرحوم

شهید صادق اسلامی و همچنین مرحوم شهید دکتر بهشتی که اصولاً در کارهای اقتصادی هم با دولت کم و بیش مشورتها و جلساتی داشتند اصولاً طرح دولتی کردن برنج که در آن موقع هم مطرح بود این بزرگواران کاملاً با این طرح مخالف بودند و موفق شدند که جلوتر بگیرند، اما متأسفانه بعد از انفجار در یک فرصت انتقالی که دولت دائمی ما نداشتیم و دولت موقتی سر کار بود در لا به لای همان جریانات که وضع دولت تثبیت نشده بود ما دیدیم که یک دفعه اعلام شد که برنج در دو استان دولتی شده و خریدش به دست دولت است و به زارعین اعلام شد که باید برنج هایشان را به دولت بفروشند و بعد دولت برنج را در سراسر ایران توزیع کند. اولاً باید توجه داشت که در آن زمان مسأله برنج با وجودی که جنگ بود و جریان ضدانقلاب اما برنج و مسأله برنجی در این مملکت مطرح نبود و قیمت بهترین برنج در آن موقع حداکثر کیلوئی ۲۲ تومان همه جا به راحتی بدست مردم می‌رسد و حتی به خود من افرادی رجوع کردند و تقاضا داشتند که تولید برنج ما زیاد است و اضافه داریم چرا دولت در این شرایط که ما نیاز زیادی داریم به ارز برنج از خارج وارد می‌کند بلکه تقاضای آن ها این بود که برنج زیاد است و در انبار خراب می‌شود ما از دولت می‌خواهیم که برنج خارجی وارد نکند بلکه صرفه جوئی برای ارز بشود با توجه به این مسأله که واقعاً ما مسأله ای به نام برنج نداشتیم و تمام ملت ایران به این موضوع شهادت می‌دهند که مسأله ای نبود و این سؤال این جا هست که آیا چرا در شرایطی که ما باید نیروهایمان را کاملاً بسیج کنیم برای جنگ با امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی وابسته به آمریکا چرا مسأله‌ای که مطرح نیست و مسأله مهمتر این که باید دقت کرد و جان کلام این جا هست که آیا این توطئه گرها نیستند که به اشکالی نامرئی و مرموز طرحهای سوسیالستی خود که آمریکا دقیقاً با آن تجربیات بین المللی که

در جهان دارد می‌داند که هر کالائی و هر جنسی و هر چیزی در این کشورهایی شبیه ایران دولتی بشود مسلماً بار سنگینی است به دوش دولت و ضرری است برای دولت و بلافاصله پس از مدتی با کسر بودجه روبه رو خواهد شد و این سیاست در گذشته هم برای کشورهایی نظیر ایران به خاطر این که دولتها و ملت‌ها را وابسته کنند به امپریالیسم بین‌المللی سعی داشتند به عناوین مختلف و گوناگون و با حیل‌هایی کالاهائی را دولتی کنند ابتداء برای دولت سودی داشت ولی بعداً می‌دیدیم که شاهد سوبسیدهای عظیمی روی آن‌ها بودیم در خود ایران...

نایب رئیس - آقای مهندس طاهری پنج دقیقه اولتان تمام شد می‌خواهید از وقت بعدی تان استفاده کنید؟

مهندس طاهری - (بله برای این که مطلب تمام شود یک مقدار از وقت بعدی استفاده می‌کنم) که امروز ما شاهد آن اقتصادی که سازمان سیا و آمریکا ما را و اقتصاد این مملکت را در آن خط و در آن جریان انداخته که شاید به این زودی‌ها نتوانیم از این مهلکه خارج شویم به عنوان مثال ضرری که ما روی کارخانه‌های دولتی شدن سیمان و کلاً کارخانه‌هایی که دست دولت هست فقط کارخانه سیمان که حدود ده یازده کارخانه است و همه ما می‌دانیم که کارخانه سیمان مواد اولیه‌اش سنگ و خاک از کوه است که قیمتش صفر است و صنعتش هم صنعت بسیار ساده‌ای است به طوری که تمام قطعات آن را در ایران می‌توانیم بسازیم با وجود این که مواد اولیه قیمتش صفر است اما امروز سالانه ششصد میلیون تومان روی این کارخانه‌ها ما ضرر می‌دهیم در حالی که قیمتی هم که به بازار عرضه می‌شود قیمت قابل توجه است و خوب است. کارخانه‌ای که در گذشته سهامش در بازار بهترین سهام بود و در بورس بود و افراد سعی داشتند سرمایه و ثروت خودشان را به صورت سهام سیمان در آورند ولی امروزه

آن کارخانه‌هایی که قبلاً مالیات و سود به دولت می‌داده امروز دولت باید سالی ششصد میلیون تومان سوبسید یعنی مالیات منفی بدهد. نکته اصل و مهم این جا هست که توطئه آمریکا برای این که اقتصاد ما را نابود کند این است که کوشش دارد به عناوین مختلف این مسأله برای خود بنده بسیار روشن است که این توطئه است تحت عنوان این که افرادی سود کلان می‌برند عده‌ای سرمایه دار هستند عده‌ای احتکار می‌کنند.

یا سرپرست ستاد بسیج چه افرادی تصمیم گرفتند در هر صورت مغز سؤال این است که این مسأله بسیار مهم و اساسی که به حیات اقتصادی مملکت ما ارتباط دارد و باید روی این مسأله شور و بررسی کامل بشود و به نظر من باید حتماً در مجلس مطرح شود با آن اجازه‌ای که امام به مجلس دادند که هر جا لازم و ضروری باشد ما از مسأله حکم ثانوی استفاده بکنیم یکی از موارد و مصادیق مهم آن همین مسأله برنج است که چرا دولت قضیه به این مهمی را پیش خود تصمیم گرفت و نه به مجلس لایحه آورد که از مجلس اجازه بگیرد ما می‌بینیم برای این که قیمت تمبر یک ریال اضافه بشود مدتها وقت این مجلس گرفته می‌شود ما...

نایب رئیس - آقای مهندس طاهری شما ابتدا می‌بایست سؤال را مطرح کنید و برای این کار پنج دقیقه وقت معین شده است.

مهندس طاهری - بنده عرض کردم این مقدمه سؤال است برای این که سؤال روشن بشود.

نایب رئیس - اگر پاسخ وزیر مربوط قانع کننده نبود شما این فرمایشتان را بعداً بفرمائید.

مهندس طاهری - عیبی ندارد.

نایب رئیس - ولی ابتدا سؤال این است که این طرح برنج چه بوده است و چرا... (محمد یزدی - وقت اضافه شان را هم باید حساب کنید) بله حساب می‌کنیم.

مهندس طاهری - به هر صورت با توجه به این که برای ما روشن می‌شود که تجربه جهانی نشان می‌دهد و در خود ایران هم نشان می‌دهد چرا دولت در واقع بدون ستاد بسیج ما می‌بینیم برای این که حق عبور اتوبان کرج تعیین بشود این مجلس مقداری وقتش گرفته می‌شود اما یک مسأله بسیار مهم که به حیات اقتصادی و حتی انقلاب بستگی دارد دولت در آن شرایط بحرانی که یک حالت انتقالی دارد از یک فرصت استفاده شد و پیش خود بر خلاف اجازه مجلس و بر خلاف قانون تصویب کردند که برنج دو استان را انحصاری کنند آن هم نه از طریق شرعی بلکه راه شرعی این بود که اگر واقعاً آن‌ها ضرورتی تشخیص می‌دادند مستقیماً جریان را پیش امام می‌بردند اگر از طریق مجلس برایشان ممکن نبود یا طولانی بود مستقیماً حکم از حاکم ولایت فقیه می‌گرفتند تا به راحتی و بدون واکنش و درد سر قضیه عمل بشود اصل سؤال همین است که مجلس یعنی قوه مقننه درست شده برای چنین موارد مهم و اساسی و دولت نه از ولایت فقیه اجازه گرفته و نه از مجلس و یک تخلف هست و در ضمن با توجه به این که اصل طرح هم صد در صد به ضرر اقتصاد مملکت و توده مردم و نارضایتی در سطح مملکت به وجود آورده است دولت هم باید جواب بدهد به این تخلف و هم از این که خود طرح با بررسی‌های مختلف که شده به ضرر اقتصاد است بقیه صحبت‌هایم را من بعداً عرض می‌کنم.

نایب رئیس - شما مگر وقت باقی گذاشتید که بعداً صحبت کنید؟ (خنده نمایندگان).

مهندس طاهری - بنده نیم ساعت وقت دارم.

نایب رئیس - ایشان خیال می‌کنند نیم ساعت می‌تواند صحبت کند آقای بهزاد نبوی بفرمائید برای جواب.

مهندس بهزاد نبوی - بسم الله الرحمن الرحيم. پیش از این که یک سر فصل‌هائی را که آماده کرده‌ام سریعاً بخوانم که وقتم کم نیاید چند نکته را برادرمان آقای مهندس طاهری فرمودند که لازم است در محضر مجلس به عرض برادران نمایندگان مجلس برسانم. اول این که فرمودند این طرح در زمانی که انفجار نخست وزیری صورت گرفته و دولت موقتی سرکار بوده است به تصویب رسیده است و حال آن که این طوری نیست طرح در زمان دولت شهید رجائی در ستاد بسیج اقتصادی تصویب شده در شورای اقتصاد هم مطرح و تصویب شده و اعتبارش هم که مبلغ ۵ میلیارد تومان است در زمان دولت شهید رجائی به تصویب شورای اقتصاد رسیده است. برادرمان طوری مطرح کردند که گویا در همان اثنای انفجار یک دزدی پیدا شده یا یک عامل آمریکا چون تحلیل‌هایشان این بود که عوامل آمریکا ممکن است در این جا دست داشته باشند یک دزدی پیدا شده این را آورده و یواشکی این را به تصویب رسانده است در حالی که این طوری نیست صورت جلسات آن ضبط است و برادران می‌توانند بیایند و ببینند این حرف خلاف است. این که برادرمان فرمودند مسأله ای به نام برنج نداشتیم. یکی از برادران نماینده الآن بیرون من را دید گفت مردم می‌گویند هر کالائی را دولت دست روی آن می‌گذارد مثل جن ناپدید و کمیاب می‌شود. این جوسازی‌هائی است که سرمایه داران در این زمینه می‌کنند و شما قبول نکنید این مسأله را من به ایشان هم توضیح دادم. طبیعی است که دولت نمی‌نشیند که هر جنس کمبود در موردش ایجاد شد آن موقع دست به اقدام بزند، ما وقتی امروز می‌فهمیم ثبت سفارش یک کالا انجام

نمی‌شود، می‌فهمیم که دو ماه دیگر تاجرش آن کالا را ندارد و چهار ماه دیگر مغازه‌دار جزء آن کالا را ندارد و از حالا باید برنامه ریزی برای آن بکنیم شما نفرمائید مسأله‌ای به نام برنج نبوده و شما مسأله کردید شما مسایل اقتصادی مملکت و وضع اقتصادی مملکت را تشریف بیاورید و دقیق مطالعه کنید و بررسی کنید ببینید که امسال قرار بود ما ششصد هزار تن برنج وارد کنیم ولی فقط ۴۰۳ هزار تن توانستیم تا به حال وارد کنیم و دویست هزار تن از پیش بینی وارداتمان کمتر است. بنابراین ما نمی‌توانستیم عرضه و تقاضا را بر بازار برنج حاکم کنیم و عملاً پیش بینی می‌کردیم که امسال (حالا من در این زمینه توضیح بیشتری می‌دهم) برنج به کیلوئی سی تومان برسد این مطلب هم این طوری نیست مطلبی که محبتی کردند و گفتند طرح‌های سوسیالیستی دولت دارد اجرا می‌کند خوب این برمی‌گردد به نظر برادرمان چون که ایشان نظریات مشابهی در این زمینه دارند من قضاوتش را به خود برادران نماینده واگذار می‌کنم ایشان حتی در مورد دولتی کردن بازرگانی خارجی گفتند این توطئه آمریکا است که در قانون اساسی آمده است خوب واضح است که طرح‌های ما هم از جمله همین نوع طرح‌ها ممکن است باشد و از نظر ایشان سوسیالیستی باشد. البته من این را بگویم مطالبی گفتند که کارخانه‌های دولتی ضرر می‌دهد ورشکست می‌شود و این حرف‌ها ما طرفدار دولتی کردن...

مهندس طاهری - من بعداً توضیح می‌دهم.

محمد یزدی - شما چنین جمله‌ای گفتید؟

مهندس طاهری - خیر.

مهندس بهزاد نبوی - تولید و توزیع و این مسایل نیستیم تا آنجائی هم که بتوانیم دولت سعی می‌کند نظارت کننده و هدایت کننده باشد ولی این مطالبی هم که برادرمان می‌گویند این طوری نیست یعنی این که هر جا را

دولت دست گرفته خراب کرده و ضرر داده و این ها این هم باز یک نوع جوسازی است و اصلاً چنین شکلی ندارد.

محمد یزدی - آقای موسوی خوئینی معذرت می‌خواهم یک جمله‌ای ایشان نقل کردند که چون مربوط به قانون اساسی هست به این سادگی نمی‌شود از آن رد شد آقای مهندس طاهری هم می‌گویند چنین جمله‌ای گفته نشده که « توطئه آمریکا مسأله دولتی کردن بازرگانی خارجی را در قانون اساسی آورده است » ایشان چنین چیزی نگفتند چون پشت سر تریبون چنین چیزی گفته شد این را اصلاحش کنید.

نایب رئیس - آقای مهندس طاهری می‌توانند اعتراض بفرمایند که من چنین جمله‌ای نگفتم.

مهندس طاهری - من از وقت خودم توضیح می‌دهم.

محمد یزدی - ایشان وقتشان تمام شده است.

نایب رئیس - خیر آقای مهندس طاهری ۴ دقیقه وقت دارند.

مهندس بهزاد نبوی - این که آقای مهندس طاهری فرمودند دولت بدون این که از حق ولایتی که به مجلس داده شده استفاده کند و یا از ولایت فقیه اجازه بگیرد این کار را کرده است طوری القاء شبهه می‌شد که گویا این طرح جنبه‌های غیرشرعی داشته و دولت بدون اجازه مجلس و یا ولایت فقیه این کار را کرده است این جا من رسماً اعلام می‌کنم که کار ما به هیچ وجه جنبه غیر شرعی نداشته است هیچ جنبه‌ای نداشته است و موقعی این طرح در هیأت دولت به تصویب رسیده است که نخست وزیر یک فقیه بوده است و ایشان هم اشکال شرعی که بوده پرسیده‌اند و حتی خودشان اظهار نظر نکردند و پرسیدند و معلوم شد آن جنبه هم که تصور می‌شد اشکال شرعی است اشکال شرعی نبوده است ما به هیچ وجه خرید برنج را انحصاری اعلام نکردیم . چون این مطلب را هم آقای مهندس

طاهری خواستم توضیح بدهم. مطلب کلی که می‌خواستم در زمینه طرح برنج صحبت کنم چون مسأله زیاد است بیشتر چند مقدمه هم خدمت برادران عرض می‌کنم.

اولاً چون بعضاً سؤالاتی از دولت و ستاد بسیج اقتصادی مطرح می‌شود و من توضیح بدهم که برادران بدانند که سؤالات را از چه کسانی باید طرح کنند ستاد بسیج اقتصادی یک نهاد طراح هماهنگ کننده و ناظر است یک چیزی شبیه هیأت دولت در زمینه مسائل اقتصادی است و دفعه پیش هم گفتم و نه مجری یعنی اجرا کننده نیست لذا سؤالاتی از قبیل سهمیه برنج داراب چرا کم توزیع شده است سهمیه برنج روستائیان شهرستان سبزوار این‌ها سؤالاتی است که برادران دارند بی‌نظمی در توزیع کالاهای اساسی بی‌نظمی در توزیع کالاهای سهمیه بندی این‌ها هیچ کدام به کل ستاد بسیج مربوط نمی‌شود به تک تک وزیرانی مربوط می‌شود که مسؤولیت توزیع آن کالا به عهده شان هست یا مجموعه‌ای از وزارتخانه‌ها که مسؤولیت توزیع آن کالا به عهده شان هست تقاضا دارم سؤالات در این زمینه مطرح شود حتی اگر امروز یک کالای سهمیه بندی شده به دست افراد نرسد مثلاً فرض بفرمائید قند و شکر مسؤولش آن سازمان مجری است و ما چون از این به بعد گفتیم که ارجاع بدهند به سازمان مجری تقاضا داریم برادرها توجه بفرمائید که سؤال هایشان به این شکل انجام بشود.

انگیزه تصویب طرح برنج را من برای برادران می‌گویم دقیقاً توجه کنند شرایط بحرانی اقتصادی را همه می‌دانید که داریم و گفتن آن ضرورتی ندارد. ضرورت صرفه جوئی ارزی و تقلیل واردات کالاهای غیر اساسی و حتی در بعضی موارد اساسی که برنج را اشاره کردم از ششصد هزار تن به چهار صد و سه هزار تن رسیده است و امکان کمبود و گرانی که پیش

بینی ستاد بسیج اقتصادی این بود که امسال حداقل قیمت برنج کیلوئی سی تومان خواهد شد با توجه به کمی واردات برنج عدم امکان جذب سرمایه در بخشهای تولیدی و مستغلات و امسال یک چیز دیگری هم اضافه می-شود آن هم واردات است یعنی امسال سرمایه توی واردات هم نمی‌تواند جذب بشود چون اصلاً ثبت سفارش کالائی نمی‌شود که سرمایه برود به بخش واردات طبعاً مسأله سبب می‌شد که سرمایه‌ها هجوم بیاورند به مبادلات چرخش و آن هم روی کالاهای اساسی که در ابزار هست و برنج یکی از آن کالاها بود یعنی می‌گویند خبری نبود خبر را باید تحلیل کرد یعنی به پیشواز مشکلات رفت نه این که ایستاد تا مشکلات بیاید و بعد آدم خط مشی و طرح بریزد اگر آن موقع آن کار را می‌کردم مجلس حق داشت ما را استیضاح کند که شما نشستید برنج شد کیلوئی سی تومان بعد دارید در رابطه با این مسأله چاره اندیشی می‌کنید تمام این عوامل نشان می‌داد که یک مقدار سرمایه سرگردان امسال می‌خواهد جذب بازار برنج بشود نه می‌تواند وارد کند و نه می‌تواند تولید کند و نه می‌تواند در مستغلات به کار بیندازد. همه این‌ها می‌رفت در بخش مبادله چرخش و در واقع دست به دست کردن برنج. سیاست کلی هم در شرایط فعلی همان طور که برادرمان آقای موسوی هم هنگام تقدیم لایحه بودجه به عرض مجلس رساند ما هم این جا به عرض می‌رسانیم سیاست دولت کنترل توزیع و نرخ کالاهای اساسی است حالا می‌خواهد اسم این را بگذارد سوسیالیستی هر اسمی می‌خواهد بگذارد ما در این شرایط جنگی و در این شرایط بحرانی در شرایطی که نمی‌توانیم عرضه کالاهای اساسی را بابتقاضا یکسان بکنیم ناچاریم یک حداقلی از این کالاهای اساسی به قیمت حداقل به دست همه مردم برسانیم. اگر هم با این کار مخالفت بکنیم به معنی ایجاد قحطی در مملکت است و به معنی گرانی است و به معنی ایجاد سود

کلان برای یک قشر خاصی است. این سیاست کلی دولت است و دولت هم مصمم است این سیاست را اجرا کند با توجه به این مقدمه ای که عرض کردم هم وضع اقتصادی مملکت را گفتم هم سیاست دولت را گفتم برنج یکی از کالاهای اساسی است که ده درصد هزینه خوراک یک خانوار شهری را تشکیل می‌دهد ده درصد هزینه خوراک یعنی درست معادل نان و یک خرده از گوشت کمتر ولی معادل نان پس جزو کالاهای اساسی است و لذا طرح برنج بر اساس یک آینده‌نگری به تصویب ستاد بسیج اقتصادی شورای اقتصاد و هیأت دولت رسیده است و آن برادرانی که اظهار می‌کنند این طرح حساب نشده بوده و حساب نشده مطرح شده در واقع شاید در بین طرحهای ستاد بسیج اقتصادی این طرح از همه حساب شده تر بوده منتها گیرش یک جای دیگر است که من حالا به عرضتان می‌رسانم. هدفهایی که طرح برنج تعقیب می‌کرد اصلی‌ترین هدفش رساندن حداقل برنج نه برنج هر چه قدر که هر کس دلش بخواهد حداقل برنج با حداقل قیمت به مصرف‌کننده در شرایط اضطراری فعلی که در آن قرار داریم و اگر طرح اجرا نمی‌شد وضع بهتر بود توضیح دادم که این طوری نبود که برادران می‌گویند هدفهای جنبی که طرح تعقیب می‌کرد خود کفائی برنج در داخل است که اگر این طرح قیمت‌گذاری توسط دولت انجام بشود سیستم کشت ما می‌رود به سمت کاشتن برنج‌های پرمحصول و اگر ما شعار خود کفائی را می‌دهیم تا می‌می خواهد حرکتی بشود مقابله کردن با آن خوب ما هیچ وقت ما به آن خود کفائی نمی‌رسیم یک جا باید ضررش را بکشیم یک جا باید صف برنج بایستیم تا کم کم تولید داخلی ان شاء الله بالا برود و ما از برنج تایلندی و سیامی و آمریکایی نیاز بشویم و الا راحت‌ترین کار برای دولت این است که برنج کیلوئی هفت تومان خارجی را بیاورد که معادل برنج پانزده، شانزده تومان داخله

است و هر چه قدر هم که دلتان می‌خواهد در ابزار توزیع کند، شش ملیون بشکه نفت هم بفروشد خیلی راحت هیچ کس هم ناراحت نباشد و مرتب برنج وارد کند. هدایت سرمایه به تولید هدف جنبی دیگر یعنی همان طور که گفتیم سرمایه‌علاقه مند نیست که الآن به بخش تولیدبرود البته ما آنچه که ممکن بوده تشویق و تضمین کردیم که هر سرمایه‌ای که در بخش تولید برود ما حتی ژ-۳ بغل دستش می‌گذاریم ولی خوب سرمایه‌علاقه‌ای ندارد ببرد پنجاه درصدش را چال کند توی زمین، پنجاه درصدش را بدهد مثلاً پرورش ماهی بکند و پنجاه درصدش بخوابد توی زمین می‌خواهد راحت‌ترین سوددهی را پیدا کند راحت‌ترین شکل هم مبادله و توزیع است برای این که علاقه دارد بیاید به سمت توزیع اگر دولت همه‌اش بخواید با ارشاد و نصیحت این کار را بکند نمی‌شود باید یک سری مشکلاتی هم در امر سرمایه‌گذاری در زمینه توزیع ایجاد بشود که سرمایه‌علاقه‌مند بشود به بخش تولید ببیند که در توزیع هم مشکل وجود دارد این جور نیست که همه مشکلات در تولید است بدانند که راحت نمی‌شود صد میلیون تومان، دویست میلیون تومان، پانصد میلیون تومان با یک معامله‌ای که یک نفر شغلش یک کار دیگر است پنج هزار تن جویبات وارد کند از یک کشوری به این جا و در عرض سه ماه شش میلیون استفاده ببرد خودش هم هیچ دخالتی در این امر نداشته و اصلاً دارد کارهای دیگری می‌کند و شش میلیون استفاده در این معامله ببرد خوب معلوم است اگر آن جور باشد و احساس کند که در این زمینه‌ها هم مشکلاتی وجود دارد گرایش به تولید هم پیدا خواهد کرد هدف دیگری که بود حمایت از زارعین است نظر سنجی که در این مورد مرکز تحقیقات نخست‌وزیری کرده است من می‌گویم که خدمت برادران تقدیم کنند. خیلی جالب است که اکثریت روستائیان یعنی شصت درصدشان با

این که نرخ را خیلی کم می‌دانند ولی از همین روستائیان که نرخ را کم می‌دانند در مجموع هشتاد درصد موافق طرح برنج هستند یعنی نشان می‌دهد که این کار در جهت حمایت از روستائیان بوده و در واقع خواهد بود. آخرین هدف جمعی جلوگیری از تکاثر است یعنی جلوگیری از تکاثر ثروت اگر بخواهد در جامعه ای بشود باید یک شیوه‌های عملی هم داشته باشد یعنی ما که نمی‌رویم ثروت کسی را... مملکت که مملکت کمونیستی نیست که ثروت کسی بخواهد ضبط و مصادره کنند. ما آن جاهائی که سودهای خیلی بی‌رویه و خیلی بالا هست خوب است که یک نظارت و کنترلی داشته باشیم اگر به عنوان یک هدف جمعی پذیرفته بشود این هست و این طرح هیچ جنبه غیر شرعی نداشته است ولی از طرف دیگر همان طور که پیروز در مصاحبه ام عرض کردم این طرح یک طرح اسلامی نیست ما این را بارها اعلام کردیم که طرح، طرح اسلامی نیست ولی جنبه غیر شرعی هم ندارد مباح است هیچ اشکالی نداشته تنها کاری که ما کردیم این بوده است که جاده ای شمال را بستیم آن هم چون جاده در اختیار دولت است حق دارد که به روی برنج ببندد این هم حکم فقیه است نه حکم بنده بنابراین طرح اشکالی نداشته فقط اجرایش دو بخش داشته است یک بخش، بخش خرید که من این جا به حضورتان عرض می‌کنم که دولت کاملاً موفق بوده است تا تاریخ ۱۱/۹/۹۰ دول توانسته است صد و شصت و یک هزار و پانصد و هشتاد و دو تن توانسته است از برنج کاران سراسر کشور برنج بخرد. از این مقدار نود و چهار هزار و پانصد تن از مازندران خریداری شده است از گیلان شصت و دو هزار تن خریداری شده است در صورتی که ما باید از گیلان بیشتر بخریم یکی از اشکالاتش این است که مثلاً امام جمعه گیلان با طرح مخالفت می‌کند و ایشان در نماز جمعه می‌فرمایند که دولت مجبور خواهد شد این طرح را پس

بگیرد. خوب طبیعی است که حق العمل کار می‌رود می‌خرد و می‌داند که به هر حال وقتی این مسایل مطرح است ممکن است بخرد و بعد بتواند جای دیگر بفروشد برای این است که در گیلان ما به جای این که بیشتر از مازندران خریم شصت و دو هزار تن خریدیم در گرگان و گنبد هشتاد دو تن، در فارس پنج هزار تن متها توضیح این که فارس جزو طرح نبوده و در همان جا سازمان تعاون و مور روستاها خریده و به خود روستائیان آن منطقه فروخته است الآن هم با وجود این همه نوسانات و با وجود این همه کار شکنی‌ها که می‌شود خرید روزانه ما در مازندران دویست و پنجاه تن در روز است که جمعاً می‌شود ششصد تن در روز که باز هم کم نیست و خوب است شب عید هم بیشتر از این خواهد شد پیش بینی خریدی که می‌کنیم ما فکر می‌کنیم که کلاً صد و چهل، پنجاه هزار تن دیگر بتوانیم برنج داخلی بخریم این آمارهایی که می‌دهند یک میلیون و سیصد هزار تن تولید برنج امسال بوده این آمارها آمارهای صحیحی نیست و آن آمارها وقتی مطرح می‌شود توجه نکنید ممکن است منشأش جائی باشد که می‌خواهد بگوید آقا یک میلیون و سیصد هزار تن برنج هست و دولت عرضه نداشته فقط توانسته است صد و شصت هزار تن آن را بخرد این خبرها نیست عرض به حضور شما در زمینه توزیع باید اعتراف کنم که نسبتاً کار ما ناموفق بوده است ولی این را بگویم اجازه بدهید که از روی آمار برایتان روشن کنم از ۱۳/۸/۰۰ که طرح توزیع اجرا شده تا ۱۱/۰۰/۱۱ نود و پنج هزار و چهارصد و هشتاد و نه هزار نهصد و هشت تن برنج داخلی و هفتاد و یک هزار و چهارصد و هشتاد و سه تن برنج خارجی در سراسر مملکت توزیع شده است هیچ توزیع کننده این اندازه نمی‌توانست توزیع بکند این به طور متوسط است چون روستای ما برنج خور نیست الآن که از روستای سبزوار آمده اند اعتراض کرده اند که برنج

به ما نرسیده است روستائی ما تا به حال برنج خور نبوده است ما کلاً در سال فوقش صد هزار تن به تمام روستاها یمان برنج می‌رفته است سال های خوب تازه از وقتی که مشکلاتی پیش آمده است ما امسال از اول سال تا به حال حتی قبل از مسأله طرح سی هزار تن بیشتر توزیع نکرده بودیم. روستائی خیلی برنج خور نیست و اگر این مقدار برنج را بین بیست میلیون شهر نشین توزیع کنیم به هر نفر سرانه $2/2$ کیلوگرم برنج داخلی و خارجی می‌رسد و $2/2$ کیلوگرم با توجه به این که یک خانواده پنج نفره بچه دارد که دو بچه را می‌شود یک نفر حساب کرد یعنی در واقع یازده کیلو برنج که به هر خانوار شهری به طور متوسط می‌تواند توزیع بشود اگر تقسیم بشود به هر نفر می‌رسد $2/7$ کیلوگرم که اگر هر وعده را صد گرم حساب کنیم در ماه بیست و هفت وعده می‌تواند پلو بخورد منتها اگر در بعضی موارد نامتعادل توزیع شده است ما قبول داریم بله و می‌گوئیم برایتان فرض کنید در ابتدای توزیع در قم برای هر نفر نیم کیلو گرم توزیع کردند آن هم در رقم البته بعداً اصلاح شد و مشکلات بر طرف شد بعضی استانها است که استاندارها نقدینه کافی در اختیارشان نیست و نمی‌توانند بیایند برنج ببرند هر کاری به این عظمت در ابتدای کار مشکلات و نارسائی هائی دارد ولی به طور متوسط این مقدار توزیع شده است این جور هم نیست که به یکی پنجاه کیلو گرم رسیده باشد و به یک نفر هیچ نرسیده باشد این آمار این کار بود ولی با وجود این من معتقد هستم و قبول دارم دولت هم قبول دارد که در توزیع ما خیلی موفق نبوده ایم ولی نه به آن حدی که جو سازی ها نشان می‌دهد جو سازی ها طوری نشان می‌دهد که انگار نه انگار که برنج توزیع شده است این هم که می‌بینید بازار هنوز اشتهای برنج دارد چون ولع کم بود برنج در بازار بوده است و ناچاراً این حالت پیش آمده است مطلبی که من می‌خواستم این جا عرض

کنم نحوه اجرا بود در مورد نحوه اجرا صحبت هائی که می شود که دولت با اجرای طرح برنج خیلی ها را از کار بی کار کرده است این واقعیت ندارد تمام فروشندگان جزء در کار توزیع برنج الآن دخالت دارند هر فروشنده جزء برای هر کیلوگرم یک تومان می گیرد بابت استفاده از فروش برنج حق العمل کاران جزء هم در طرحی که ستاد بسیج اقتصادی و شورای اقتصاد تصویب کرده در خرید شرکت می کنند همراه با دولت تنها آن دسته از واسطه ها و تجاری که بین شمال و تهران برنج را می آوردند و می دادند به خرده فروش آنها حذف شدند و نه این که جمع کثیر و ما نه منع معامله برنج در شهرستان های شمال کردیم و نه جز بستن جاده اقدامی کردیم که کسی نتواند آن جا کار کند اگر بد اجرا شده الآن برادرمان آقای مهندس طاهری تبسم می کنند می دانم خیلی مسائل در اجرا با آن چیزی که در طرح است ممکن است اختلافاتی داشته باشد شما بایستی بروید آن مجری را که مجرم است بگیرید و او را مجازات کنید اگر خلاف مصوبه دولت عمل کرده است دولت استیضاح نمی شود در این جا دولت مورد سؤال قرار نمی گیرد و به دولت تذکر داده نمی شود آن مجری که اشکال در کارش بوده است باید مجازات بشود. عللی که مشکلات اجرائی ما داشته است فهرست وار برایتان می گویم . کار خیلی بزرگ بوده است کار ساده ای نبوده و ما می دانستیم موقعی که وارد کار می شویم تفت و لعنت هم دنبالش هست و سر و صدا هم خیلی پشت سرش هست و فکر نکردیم که یک کار خیلی ساده و راحتی هست ولی بالاخره این کارهای بزرگ یک موقعی می بایستی انجام می شد. در این شرایط بحرانی و در این شرایط اقتصادی که شما می روید می بینید لیوان دانه ای بیست تومان است فردا آن تاجری که دیگران لیوان گیرش نمی آید توی بازار معامله کند پولش را می -

آورد توی برنج سرمایه گذاری می‌کند، می‌آورد توی تخم مرغ سرمایه گذاری می‌کند.

مسئله دوم - نحوه شروع کار بود آن توضیحی که برادرمان مهندس طاهری در مورد نحوه شروع کار دادند این بود که در زمان دولت شهید رجائی در ستاد بسیج این طرح به تصویب رسید طرح باید از اواخر شهریور اجرا می‌شد والا برنج به فروش می‌رفت یعنی باید اول محصول طرح اجرا می‌شد در اواخر دولت آقای رجائی طرح در ستاد بسیج تصویب شد و موقعی که ایشان رئیس جمهور بودند در ستاد اقتصاد به تصویب رسید. آن طور که به یاد می‌آید و در اواخر شهریور به مرحله اجرا درآمد چون وقتی این طرح خواست با سرعت به مرحله اجرا درآید عملاً ذخیره برنجی جز برنج خارجی در اختیار دولت نبود برنج داخلی در دست تجار برنج بود که از قبل داشتند که به گفته برادرمان آقای امانی - گفتند دویست هزار تن یا چقدر برنج دستشان بوده است همان کسانی را که ما الآن این قدر فکر می‌کنیم به آنها ظلم شده است خود آقای امانی معترف هستند که دویست هزار تن برنج دستشان بوده تا دولت این طرح را اعلام کرده قایمش کرده اند و به قیمت گران فروخته اند.

امانی - جوابی که شما می‌دهید روی تخیلات است.

مهندس نبوی - شما خودتان در جلسه هشتاد نفری این مطلب را دقیقاً فرمودید.

امانی - چیزهای دیگرش را هم بفرمائید.

نایب رئیس - آقای نبوی شما خوب بود اسم ایشان را نمی‌آوردید.

مهندس نبوی - پس من اسم ایشان را پس می‌گیرم تا اجازه بدهند من صحبت تمام شود.

امانی - شما شهادت داشته باشید بگوئید که انحصار کردید.

نایب رئیس - آقای امانی شما الآن نمی‌توانید صحبت کنید اجازه بدهید صحبت آقای نبوی تمام شود.

هادی - کسی که دویست هزار تن برنج را احتکار کرده است به عنوان محکمر به دادگاه انقلاب تحویلش بدهید.

مهندس نبوی - اولاً یک نفر که دویست هزار تن احتکار کرده باشد چون دویست هزار تن چیزی نیست که یک نفر بتواند احتکار کند.

هادی - خوب ده نفر باشد .

مهندس نبوی - بنابراین موقعی که ما شروع کردیم به خریدن برنج ناچار بودیم جاده‌ها را ببندیم بستن جاده‌ها فوری همان طور که وقتی ثبت سفارش نمی‌شود استکان فروش می‌تواند بفهمد که دیگر استکان وارد نمی‌شود. استکانش را می‌تواند ببرد بگذارد توی انبار پشت دکانش همان کار را هم می‌تواند برنج فروشی که از خدا بی‌خبر است بکند. بنابراین ما که جاده را می‌بندیم آن برنج فروشی که می‌خواهد احتکار کند همه برنجه‌ها را برد گذاشت توی پستوها و عرضه نکرد ما هم تا موقعی که بتوانیم برنج بخریم و عرضه کنیم به بازار به خاطر همان شرایط است که در آن مدت دو سه تا دولت هم عوض شد، به خاطر همین شرایط که اسبیزدهم آبان ماه توزیع برنج شروع شد یک ماه و نیم تا دو ماه بازار بدون برنج ماند و نسبت به برنج ولع پیدا کرد به خاطر همین مسأله هم هست که با وجود این که این همه برنج در بازار تغذیه شده است هنوز ولع بازار و ولع مصرف‌کننده در این رابطه کم نشده است.

امانی - این اشتباه اولیه بوده است.

نبوی - علت سوم مخالفت قشری است که در این رابطه در واقع منفعتش صدمه دیده است و به منافعتش لطمه خورده است و واقعیتش این است که ستاد بسیج اقتصادی تا وقتی که طرح هائی را می‌داد و کالاهای

دولتی را سهمیه بندی می‌کرد سهمیه بندی عین اسلام اصیل بود ولی همین که به کالای دست زد که به یک قشر خارجی برخورد می‌کرد این شد ضد اسلامی و این شد کمونیستی همان حرفهائی که بنی صدر همان حرفهائی که لیبرالها به ما می‌گفتند همان حرفها را یک عده دیگری می‌زنند. در این یک سال و خرده ای مگر اولین بار است که ما کالا را سهمیه بندی می‌کنیم الآن جوی که در رابطه با سهمیه بندی وجود دارد خودتان بررسی کنید همه به عنوان یک عمل کمونیستی سوسیالیستی نمی‌دانم کومپنیستی محکوم می‌کنند (هادی - همه محکوم نمی‌کنند) (مهندس طاهری - فقط بحث برنج است) همه کسانی که مخالف هستند این عده متأسفانه که توی آن ها آدمهای خوب و سالمی یعنی آدمهائی که از من خیلی مسلمان تر هستند پیدا می‌شوند منتها توجه نمی‌کنند که وقتی یک مملکتی در حال جنگ است عرضه برای تأمین اسلحه و مهماتش به اندازه کافی نیست نمی‌تواند قانون عرضه و تقاضا را به بازار حاکم کند و دست هر کسی را باز بگذارد که هر چه دلش می‌خواهد بخرد و هر چه قدر دلش می‌خواهد بفروشد این کار در شرایط جنگی ممکن نیست واقعاً هم نمی‌داند چون تحلیل اقتصادی از کل جامعه ندارد یک تکه کوچک مربوط به خودش را می‌بیند نه کل جامعه را فکر می‌کند که ما داریم واقعاً خیانت به مملکت می‌کنیم و واقعاً متوجه نیست یک قشرشان هم این جور است که این عده مرتباً با مسئولین تماس می‌گیرند این طرف می‌روند و آن طرف می‌روند و آن چه که نارسائی در مسأله طرح برنج هست در واقع یک کلاغ ، چهل کلاغ می‌کنند و بزرگتر از آن چه که واقعیت است نشان می‌دهند.

چهرمین دلیلی که این نابسامانی ها و مشکلات اجرائی وجود داشته است متأسفانه چپ روی بعضی از برادران مسؤولین اجرائی ما هست که به آنها می‌گوئی برو کلاه بیاور درواقع می‌روند سر می‌آورند این مسأله در

خیلی از جاها بهانه داده به دست آنهایی که مخالف طرح بودند مثلاً دولت تصویب می‌کند که حق العمل کاران جزء را به کار بگیریم خود برادران بعضی هایشان سر خود به کار نمی‌گیرند دولت می‌گوید آقا فقط مانع خروج برنج از استان بشوند می‌روند مثلاً یک تن برنج را توی مغازه یک نفر ضبط می‌کنند این‌ها خودش بهانه می‌دهد به دست آنهایی که مخالف طرح هستند که بگویند آقا دیدید گفتیم غیر شرعی هست و احتیاج به حکم ثانوی داشت این‌ها برنج را انحصار کردند و حکم ثانوی هم نگرفتند.

آخرین مطلبی که دارم این است که به فرض این که تمام استدلالها پذیرفته باشد که طرح غلط است و باید متوقف شود که من معتقد نیستم اگر بخواهیم طرح را متوقف کنیم این عوارض را باید مردم ما و دولت ما تحمل کند هیچ مسأله این نیست که برای دولت سرشکستگی باشد که یک طرحی را اگر غلط عمل کرده است دولت شهادت دارد که بیاید بگوید آقا ما اشتباه کردیم ما خطا کردیم و پس می‌گیریم من محسنات طرح را گفتم و نحوه اجرای آن را هم گفتم حالا می‌گویم که اگر آن را متوقف کنیم چه مشکلاتی در مملکت ایجاد می‌کند.

اولاً صد و پنجاه هزار خانوار روستائی برنج را آوردند به قیمت های تعیین شده به ما فروخته اند همین که شما طرح را متوقف کنید چه کسانی سود برده اند آن هائی که با ما بیعت نکردند برنج شان را به دولت نفروختند نگه داشتند و مسلماً وقتی ما جلوی خرید را بگیریم هیچ کس که دیگر نمی‌آورد ارزاتر از قیمت هائی دولتی بدهد حتماً بازار عرضه و تقاضا چون حاکم می‌شود عملاً برنج به قیمتگراتر فروخته می‌شود و آن صد و پنجاه هزار روستائی را آیا دولت و جمهوری اسلامی می‌تواند در مقابلشان متهم نشود به بد عهدی و به نقض عهد ما که از آنها خواستیم و

آنها برنج هایشان را آورده‌اند به ما داده‌اند حالا یک عده معینی که نداده‌اند ما زمینه را برای آنها مساعد می‌کنیم آنها برنج شان را ارزان فروخته‌اند و این‌ها می‌توانند گران بفروشند.

دوم - جنبه منفی دارد یک سری حق العمل کار مسلمان و یک سری تاجر مسلمان که ما دارم چون دولت گفته است آقا وارد این معامله نشوید نشده‌اند ولی یک عده تا مسلمان شان که وارد شده‌اند و مقدار زیادی برنج الآن در شهرهای شمال خریده‌اند و احتکار کرده‌اند که ما می‌دانیم خوب طبیعی است شما که آزاد کردید آن حق العمل کار و واسطه مسلمان سرش بی‌کلاه می‌ماند که حرف دولت را قبول کرده‌اند و نرفته‌اند برنج بخرد برای آوردن به تهران ممکن است برای توزیع در استان خریده باشد ولی به مقداری که بیاورد به تهران جمع نکرده‌اند و احتکار نکرده‌اند.

اشکال سوم این می‌شود که مطمئن بدانید که گرانی و کمبود در زمینه برنج بیشتر از حالا می‌شود چون واضح است بعضی از تجار برنج امروز یک نامه ای برای برادرمان عسگر اولادی مجدداً فرستاده‌اند و گفته‌اند ما حاضریم کیلویی یازده ریال تفاوت زارع تا مصرف کننده بگیریم و برنج را از شمال بیاوریم این جا. برادرمان آقای توکلی وزیر محترم کار که خودش حق العمل کار برنج بوده است می‌گوید چنین چیزی ممکن نیست که یک نفر بتواند با یازده ریال تفاوت برنج را بیاورد بفروشد تنها تصویری که برای ما هست در واقع می‌خواهند برای دولت دمپینگ ایجاد کنند. سرمایه دارهای بزرگ در کشورهای سرمایه داری این که یک سرمایه دار جزئی را خفه کنند می‌آیند جنسشان را به ضرر وارد بازار می‌کنند تا آن شریک را از صحنه خارج کنند بعد خودشان بازار را به دست بگیرند ما فقط استنباط مان می‌تواند این باشد کسی اگر بخواید یازده ریال از زارع

برنج بخرد ما فقط یک تومان در هر کیلو این جا داریم به توزیع کننده جزء سود می دهیم چه جوری می شود آدم یازده ریال بدهد کیسه گیری بکند بوجاری بکند، انبارداری بکند و حمل بکند به تهران سود هم ببرد و مصرف کننده جزء این جا هم سود ببرد و بدهد دست مردم این نیست مگر این که می خواهند در این رابطه مطرح شود که دولت بی عرضه است و این کار از عهده دولت بر نمی آید ولی ما می توانیم همین که دولت از صحنه خارج شد بعد . همه شما دیدید پارسال چه کسی برنج ممتاز را از کیلوئی ۲۲ و ۲۳ تومان کمتر خرید در حالی که قیمت در استانهای شمالی از ۱۶، ۱۷ تومان بالاتر نبوده است چه کسی کمتر از ۲۲ و ۲۳ تومان خرید پس چه طور اختلاف پنج تومان می تواند به یازده ریال تقلیل پیدا کند.

نایب رئیس - آقای نبوی مطالب شما خیلی مانده است؟

مهندس نبوی - خیر فقط یک نکته باقی مانده است بنابراین توجه کنید که اگر الآن طرح متوقف بشود هم برنج گرانتر می شود چون مسلماً خریدار آزاد گرانتر از قیمتی که دولت گذاشته است پول خواهد داد و مسلماً از جیب خودشان ضرر را جبران نخواهند کرد به بازار خواهد آورد و به قیمت های کلان ۲۵ و ۲۶ تومان و ۳۰ تومان که پیش بینی ما سی تومان است خواهد فروخت و وضع برنج هم بهتر از این نمی شود جز این که دولت هم مسئولیتی به عهده اش نخواهد بود. رای دولت الآن بهترین وقت است که بگوید خیلی خوب بار را از روی دوش خودم می گذارم پائین ولی دولت که در قبال جامعه مسئول است نمی تواند در این شرایط بیاید این کار را بکند که بازار با کمبود عجیبی رو به رو بشود و مسئولش هم معلوم نباشد چه کسی است. طبیعی است که ما می بینیم در مورد پیاز که فقط صحبت از یک نرخ گذار در میدان بوده است می بینیم که هنوز مسأله پیاز داریم فقط یک صحبت از نرخ گذاری شده است خوب وقتی ما

با یک چنین وضعی طرف هستیم دولت الآن کشیدن کنارش یعنی آزاد گذاشتن بازار در اختیار کسانی که می‌خواهند به هر قیمتی که دلشان می‌خواهد برنج را بفروشند و آخرین جنبه منفی که این کار دارد یعنی عقب نشینی دولت در این طرح این است که دولت (این را من عرض کنم طرح‌های مشابهی در زمینه های دیگر ناچار است اجرا کند) شاید مخالفین هم این قضیه را خوب می‌دانند و به قول معروف جنگ اول بهتر از صلح آخر است می‌خواهند گربه را در حجله بکشند که اگر دولت طرح‌های مشابهی داشت نتواند بیاورد و به مرحله اجرا در بیاورد لذا اگر ما در این زمینه عقب نشینی کنیم در زمینه طرح‌های بعدی هم امکان موفقیت نخواهیم داشت والسلام.

نایب رئیس - متشکر آقای مهندس طاهری شما چهار دقیقه فرصت دارید.

مهندس طاهری - بسم الله الرحمن الرحيم، اولاً متأسفانه اصلاً آقای وزیر مشاور این که سؤال من را نه کتبی آن را خواندند و نه به شفاهی که حضورشان عرض کردم توجه فرمودند اصل سؤال من این بود که طرح برنج به نظر من باید بیاید به مجلس و مجلس تصویب کن و بعداً اجرا شود.

نایب رئیس - آقای مهندس طاهری شما متن سؤالتان را بخوانید.

مهندس طاهری - بله سؤال من هست.

نایب رئیس - همان جا بخوانید.

مهندس طاهری - ریاست محترم مجلس شورای اسلامی.

علی رغم، پیام امام و دستور اخیر امام که بایستی همه ارگان‌ها و نهادها مخصوصاً دادسرای انقلاب عملی بر خلاف شرع و قانون ننمایند دیروز در روزنامه‌ها خبری مبنی تخلف کمیته امور صنفی که کامیونی که حامل سه و

نیم تن برنج از آمل به تهران بود آن را به عنوان قاچاق توقیف نموده و حال آن که همه می‌دانیم نه امام حکم قاچاق بودن برنج ونه خرید ونه فروش و حمل و نقل آن را صادر فرموده ونه مجلس شورای اسلامی و نه شورای نگهبان چنین قانونی را تصویب کردند و نه هیأت دولت می‌تواند چنین قانونی را تصویب نماید.

یعنی روح سؤال و اصل سؤال این است که در یک مملکتی که مجلس دارد و باید قوانین مملکتی تصویب بشود فرضاً مسأله تریاک یک وقت کشت آن در مملکت آزاد بود بعد الآن جمهوری اسلامی و مجلس تریاک را قاچاق اعلام کرده است مجلس هست که باید حمل و نقل برنج و خرید و فروش آن را قاچاق اعلام کند یا ضابطه ای برای آن معین کند یعنی دولت و هیأت دولت و ستاد بسیج که این کار را تصویب کردند بر خلاف قانون اساسی عمل کردند یعنی باید به صورت لایحه به مجلس بدهند و مجلس تصویب کند و این بحث‌هایی هم که الآن این جا شد آن موقع بیایند دفاع کنند و مخالفین هم حرفهایشان را بزنند اگر واقعاً تصویب شد که ره‌های دواستان مازندران را ببندند آن موقع مأمورین طبق ضابطه که مجلس تصویب کرده است آن موقع جلو آن را بگیرند اصل سؤال این است که این جا مجلس را دنبال نخود سیاه می‌فرستند اما کارهای اساسی و ریشه‌ای را پیش خود تصمیم می‌گیرند و لذا من قانع نشدم و می‌خواهم که سؤال به کمیسیون سؤالات برود (نایب رئیس - بسیار خوب) در ضمن این جا یک توضیح راجع به خودم بدهم. صحبت من درباره تجارت خارجی الحمدالله من در این گونه مسائل نظر و تشخیصم را همه جا گفته‌ام حتی با خود اعضای شورای نگهبان هم در این باره صحبت کرده‌ام و صحبت من راجع به تجارت خارجی همان حرف‌هایی بود که در جلسه علنی زده شده و در صورت مجلس ثبت است و اخیراً هم کتباً به کمیسیون

ویژه نوشته‌ام که راجع به تجارت خارجی چه نظراتی دارم. چنین صحبتی که آقای بهزاد نبوی فرمودند بنده چنین چیزی نگفتم.^{۱۵}

پیشنهاد دهنده

بسم الله الرحمن الرحيم.

در ماده ۴ فرض بر این شده که تجارت خارجی دولتی و انحصاری است اما (نایب رئیس - پیشنهاد آقای مهندس طاهری در ماده ۴ است دیگر؟) بله در ماده ۴ است.

نایب رئیس - پیشنهاد مخالف با لایحه نباشد؟

مهندس طاهری - خیر پیشنهاد اصلاحی هست. پیشنهاد این است که : « هر مرکز خرید مکلف است پس از تشخیص و تصویب ضرورت انحصاری و دولتی کردن اقلام بوسیله مجلس شورای اسلامی حداکثر پس از مدت یک سال خرید اقلام دولتی شده و مقادیر وارداتی کشور هر یک از اقلام کالاهاى موضوع فعالیت خود را رأساً انجام دهد».

برای این که پیشنهاد خوب مشخص بشود خواهش دارم از نمایندگان توجه بفرمایند که ما بتوانیم در این چند دقیقه خیلی کم حرفمان را بزнім.

نایب رئیس - پنج دقیقه است دیگر آقای مهندس طاهری .

مهندس طاهری - بله خیلی کم است اما دیگر چاره‌ای نیست. متأسفانه یک برداشت غلطی که به نظر من شده از اصل ۴۴ فرض بر این شده که اصل ۴۴ بیان می‌کند که تجارت خارجی انحصاری هست انحصار دولت. بنده عرض می‌کنم که اصل ۴۴ آقایان نمایندگان توجه کنن آخر وقت است متوجه بشوند که مجلس اشتباه نکند و به این وسیله اشتباه برطرف بشود در شورای نگهبان هم ان شاءالله قانون رد نشود تصویب بشود اصل ۴۴

روحش و بیان و محورش این است که در جمهوری اسلامی هر نوع مالکیت.

موحدی ساوجی - این پیشنهاد چاپ نشده است.

نایب رئیس - پیشنهادشان در پیشنهادها چاپ شده است.

مهندس طاهری - بلی پیشنهاد من چاپ شده و خواندیم روح اصل ۴۴

این است که در جمهوری اسلامی همان طور که در اسلام هم هست هم

مالکیت دولتی قبول شده و هم مالکیت خصوصی و لذا در اصل ۴۴

مشخص نکرده که چه در صنعت چه در تجارت و چه در کشاورزی چون

اقتصاد کلاً شامل صنعت و معدن و تجارت و کشاورزی می شود در اصل

۴۴ در مقام این نبوده که مشخص کند چه قسمت از صنعت ما باید حتماً

دولتی باشد و انحصار در دست دولت چه قسمتی از کشاورزی ما در

دست دولت باشد بلکه بخش دولتی را به نحو تمثیل مثال زده. صنایع ما

در مثلاً صنایع نظامی یکی از صنایع بسیار مهم استراتژی است که حتماً

باید دولتی باشد و انحصار در دست دولت این جا بیان نشده. پس حالا که

بیان نشده بگوئیم این در درست بخش خصوصی باشد؟ با مثلاً در آخر

اصل ۴۴ این قسمت ۷ بخش دولتی اش می گوید که «و مانند این‌ها» این

«و مانند این‌ها» باز از باب تمثیل است آخر همین اصل ۴۴ را من می -

خوانم «تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می -

کند» دقیقاً این جمله آخر منظور قانونگذار و مجلس خبرگان این بوده که

می خواسته به ملت ایران خط بدهد که ای مردم هم مالکیت دولتی محترم

است هم مالکیت خصوصی و این مجلس شورای اسلامی است که باید

روی ضرورت‌های زمانی تشخیص بدهد، چه بخش‌هایی از صنعت ما، چه

بخش‌هایی از تجارت ما و چه بخش‌هایی از کشاورزی ما باید حتماً در دست

دولت باشد. من اول می خواهم این را ثابت کنم که اصل ۴۴ اصلاً انحصار

که این که حتماً تجارت خارجی را قانون اساسی دولتی کرده یک جوی بوده که در روزنامه‌ها تبلیغ شده ولی قانون اساسی این را بیان نمی‌کند و ان شاء الله این جا اگر مجلس متوجه شد...

نایب رئیس - یک دقیقه دیگر بیشتر وقت ندارید. آقای مهندس یک دقیقه بیشتر از وقتتان نمانده شما از پیشنهادتان دفاع کنید.

مهندس طاهری - اما برای این که این را شورای نگهبان رد نکند پیشنهاد من این است که وقتی قبول کردیم که قانون اساسی تصویب نکرده که تجارت خارجی انحصاری است لذا در آخر اصل ۴۴ دقیقاً بیان می‌کند و همان طور که امام هم فرمودند «مجلس هر جا تشخیص ضرورت داد» لذا هر اقلامی را که مجلس تشخیص داد که باید انحصار دولت بشود در امر تجارت خارجی، آن موقع است که مجلس تصویب می‌کند و پس از یک سال این مراکز مکلفند که اجراء کنند لذا دقیقاً پیشنهاد من این است که هم اشکال قانون اساسی را برطرف می‌کند و شورای نگهبان ایراد نمی‌گیرد و دقیقاً هم در مواردی که ضرورت دارد اقلامی از کالاهای ما دولتی بشود می‌آید به مجلس و بعد از این که مجلس تشخیص ضرورت داد آن موقع مراکز خرید آن را بعد از یک سال عمل می‌کنند.^{۱۶}

موافقت با پیشنهاد

بسم الله الرحمن الرحيم .

اصولاً اولویت دادن به بخشهای دولتی به طور کلی یک حالت عدم تعادلی و دولت گرایی در جامعه به وجود می‌آورد که این خودش بر خلاف اصول اولیه اسلامی است و این است که ما همیشه باید در قانون گذاری سعی کنیم اولاً اصول اولیه اسلام را در نظر بگیریم . ثانیاً قوانین را طوری تنظیم کنیم که در نهایت به نفع کل جامعه و مردم باشد. و فکر

نکنیم که بخش خصوصی غیر از این مردم است، بلکه گاهی گفته می‌شود بخش خصوصی یعنی تمام مردم. در ثانی نکته‌ای که مهم است این است که باید کار به طور اساسی و ریشه‌ای حل بشود. هیچ این جا سؤال نشد که چرا ما این همه کالاهای مترو که در گمرک داریم که قسمت اعظمی از آن از بین رفته و حالا داریم چاره‌جوئی می‌کنیم که بقیه از بین نرود. البته این یک تکلیف است، باید چاره جوئی کنیم، اما نباید از آن طرف قوانین گمرکی طوری باشد و آن قوانین طاغوتی همین طور حاکم باشد که جبراً مقدار زیادی کالای مترو که به وجود بیاورد. بلکه اگر آن قوانین را ما اصلاح کنیم، قوانین طاغوتی گذشته را بالطبع گرفتار کالاهای مترو نخواهیم شد. لذا من با پیشنهاد حذف این تبصره موافقم از جهت این که ما باید همیشه بر خودمان عادلانه باشد. نه این که همیشه اولویت به دولت و نهادهای انقلابی بدهیم.^{۱۷}

نطق پیش از دستور

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم. لاحول و لا قوه الا بالله العلی العظیم. الحمد لله مسأله اصلی جنگ و دفاع از میهن اسلامی به نحو احسن و مطابق با رشد و شئون ملت شریف ایران ادامه داشته و تداوم آن تداوم انقلاب بوده و جایی برای صلح کردن ندارد بلکه طبق آیه شریفه ۹ سوره حجرات «فقاتلوا التی تبغی حتی تفی الی امرالله» ادامه جنگ یک تکلیف شرعی و الهی است برای تمام مسلمین و باید آن را ادامه داد تا سقوط صدام و امت شهید پرور باید خود را آماده نماید برای یک جنگ طولانی به رهبری آیت خدا نایب المهدی خاتم المعراج نافع صالح بت شکن قرن حضرت امام خمینی (نمایندگان سه بار صلوات فرستادند) زیرا دشمن اسلام و مسلمین فقط صدام نیست بلکه پشتیبان او

آمریکا و شوروی و تمام اقدار آن ها می باشد لذا این جنگ تا ظهور حضرت مهدی علیه السلام ادامه داشته و با شمشیر آن بزرگوار ارواحنا له الفدا ان شاء الله خاموش می شود و به همین وضع است جنگ با منافقین و جبهه داخلی. اما آنچه که قابل تحمل برای مردم مسلمان ایران نیست وضع بد اقتصاد کشور می باشد و از همه بدتر وضع توزیع ظالمانه دامی و کمونیستی به وسیله ستاد بسیج اقتصادی می باشد. درست است که جنگ در وضع اقتصاد مؤثر است و جنگ خرابی و کمبود می آورد اما مردم شهید پرور مقتصد ما هرگز از کمبود و نبود ناراحت نیستند بلکه از توزیع غیر اسلامی و کمونیستی کالاها ناراحت می باشند. مردم از این که ۱۶۰ تن ماهی و به قولی ۳۶۰ تن ماهی شیلات جنوب که نعمت خدادادی است به وسیله ستاد بسیج اقتصادی فاسد می شود ناراحت هستند. مردم از این که صدها تن کالا از قبیل برنج و خرما و شیر و گوشت و مرغ و امثال این ها در انبارهای دولتی خراب و فاسد می شود ناراحت هستند. مردم از این که در سالی که گذشت برنج از کیلوئی دوازده تومان به چهل تومان رسید و حمل آن جزء کالاهای قاچاق قرار گرفت ناراحت هستند که الحمد لله فعلاً برنج آزاد شده و قیمت آن پائین آمده. مردم از این که مرغ کوپنی شده و بایستی برای گرفتن هفتصد گرم سهمیه مرغ شش بار در صف بایستند تا پس از هفته ها و صرف ساعت ها وقت که قدیم ها می - گفتند از طلا گران بهاء تر است به حساب ستاد بسیج وقت و عمر ارزشی ندارد موفق شوند یک دانه مرغی که فقط یک ران دارد به دست آورند. مردم از این که سیاستهای غلط بسیج اقتصادی باعث مصرف های کاذب و هز رفتن نیرو، وقت، خرد شدن اعصاب و بسیار مسائل و مشکلات دیگر شده است ناراحت هستند (کاظم نوری - تهمت نزن آقا) خلاصه امروز به علت این که ستاد بسیج اقتصادی بر خلاف آیه شریفه ۳۲ سوره زخرف و

ساله امام به شیوه کمونیستی عمل می‌نماید مفسد و مشکلات زیر را ببار آورده و مردم را حریص و مادی نموده است.

۱- اسراف مصرف بیشتر به خاطر اجبار خریدار در موقع غیر نیاز.
 ۲- تبذیر و خراب شدن کالا به علت این که تولید کننده اختیار فروش به موقع ندارد.

۳- ایجاد ضرورت‌های کاذب از قبیل تهیه فریزر برای احتکار و نگهداری گوشت و امثال این‌ها در خانه.

۴- نرسیدن کالا به دست عده‌ای از مردم، آن‌هایی که راه‌های پریچ و خم ستاد بسیج را بلد نیستند یا کوپن ندارد یا گم کرده‌اند.

۵- معتاد نمودن مردم سالم به چیزهایی مضر از قبیل سیگار به خاطر این که به طور مساوی به سیگاری و غیر سیگاری می‌دهند.

۶- ایجاد نمودن معاملات باطل و کاذب از قبیل بورس کوپن.

۷- مشغول نمودن مردم و اتلاف وقت آن‌ها در صف‌های

ششگانه برای هر

کالای اساسی و غیر اساسی که باید روزها عمرش تلف شود و برای تهیه بعضی از کالاها یک عمر هم کافی نیست مانند تهیه زوین و تیر آهن و مصالح ساختمانی برای منزل مسکونی.

۸- تبذیر نیروی انسانی و مشغول نمودن عده زیادی از مردم و جوانان برای کنترل برنامه‌های ستاد بسیج اقتصادی مانند سوراخ نمودن کوپن از قبیل گماردن جوانان رزمنده بر روی پمپ بنزین برای سوراخ نمودن کوپن به علت عدم اعتماد به مردم.

۹- ایجاد عدم اعتماد و افزایش سوء ظن و بدبینی بین مردم.

۱۰- بالا بردن قیمت کالا به واسطه احتکار دولتی و خانگی و ده‌ها مشکلات و مفاسد دیگر که به علت ضیق وقت از بیان آن خودداری می‌شود.

اما راه حل مشکلات همان طور که حضرت امیر علیه السلام فرمود بازگشت به قرآن و احکام اولیه اسلام می‌باشد. تنها راه حل مشکلات و مفاسدی که در امر اقتصاد و توزیع به وجود آمده این است که از شیوه‌ها و الگوهای شرقی و کشورهای کمونیستی و سوسیالیستی دست برداشته و باز گردیم به راه اسلام و فقه آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم (فؤادکریمی - در کشورهای کمونیستی اصلاً کوپن نیست.) و تحریر الوسیله امام و بر این اساس پیشنهاد می‌شود کارهای زیر با سرعت به وسیله دولت انجام گیرد.

۱- انحلال ستاد بسیج اقتصادی و سپردن هر قسمت از کار آن به وزارتخانه مربوطه زیرا این ستاد نه شرعی است نه قانونی.

۲- سپردن کارهای مردم به خود مردم از جمله واگذار نمودن و فروختن کلیه کارخانه‌های مصادره شده و ملی شده و دولت که زیان آور بوده و غیر استراتژی می‌باشد به بخش خصوصی.

۳- نظارت کامل دولت بر امر تولید و توزیع و مصرف به شیوه اسلامی طبق فرمایشات حضرت امیر(ع) در نامه به مالک اشتر قسمتهای ۲۵ تا ۵۵ سفارش راجع به تجار و صنعتگران صفحه ۱۰۱۷ که در نظام حکومت اسلامی دولت، دولت است نه تاجر و کشاورز و صنعتگر بلکه دولت به معنی واقعی کلمه یعنی گردش دهنده ثروت در

جامعه، همان طوری که قلب گردش دهنده خون در بدن می‌باشد.

۴- ساده مختصر نمودن وزارتخانه‌ها و ادارات و منحل نمودن قسمت

زائد.

۵- برای این که پولها و سرمایه‌های سرگردان و افراد با استعداد و بیکار در جهت خدمت به جامعه و تولید قرار گیرد کلام حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر قسمت ۵۵ که می‌فرماید « ثم استوص بالتجار و ذوی الصناعات و اوس بهم خیراً » عمل شده و از طریق رسانه‌های گروهی تبلیغ نموده و صریحاً اعلام نماید که سیاست اقتصادی دولت سیاست حضرت امیر علیه السلام می‌باشد و کاملاً طبق شیوه و دستورات اسلام از سرمایه‌گذاری و بخش خصوصی حمایت می‌نماید.

۶- بر اساس آیه مبارکه « و لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل » کلیه معاملات باطل که در دستگاههای دولتی انجام می‌گیرد و قسمتی از درآمد دولت را تشکیل می‌دهد از برنامه حذف نموده تا خداوند خیر و برکت را به سوی دولت و ملت سرازیر نماید.

رئیس - دو دقیقه دیگر وقت دارید.

طاهری - این اکل به باطل در دستگاههای دولتی زیاد بوده که احصاء آن وقت بسیار لازم دارد و همین جا از امام امت و کلیه فقها و مدرسین محترم حوزه علمیه قم خواهش و تقاضا می‌نمایم که کلیه اکل به باطل و داد و ستدها حرامی که در حال حاضر دولت انجام می‌دهد به آنها موضوعاً تذکر داده و روشن نمایند تا ان شاء الله دولت آنرا ترک نماید.

۷- امیدوارم دولت این کلام بزرگ شهید رجائی که فرمود « من مقلد امام هستم » را فراموش ننموده و نصب العین خود قرار داده و همان طور که در مسائل نماز و روزه از خود اجتهاد نمی‌نمایند و به رساله رجوع می‌نمایند در سایر احکام از جمله احکام و مسائل اقتصادی به رساله رجوع نموده و تقلید نمایند که این تنها راه نجات دولت از این بن بست اقتصادی می‌باشد که اگر ان کار را بکنند به جای این که مثل این روزها که

مردم به دنبال گوشت و مرغ می‌دوند و به آن هم نمی‌رسند بالعکس شده گوشت و مرغ و مادیات به دنبال مردم می‌دود.

چند کلمه از حوزه انتخابیه عرض نمایم. حوزه انتخابیه من کازرون الحمد لله همان طور که نمایندگان اطلاع دارند مردمی هستند از قبل انقلاب شهدائی در راه انقلاب داده‌اند و امروز هم تا کنون هزارها شهید در راه پیشبرد انقلاب داده‌اند. از این جهت بسیار خوشحال و خشنود هستند که انقلاب به سرعت پیشروی می‌کند. اما از مشکلاتی که عرض شد هر چه ما در شهرهای مختلف و مردم محترم کازرون تماس داشتیم ناراحتی و مشکل آنها همین توزیع ظالمانه کالا هست.

فؤاد کریمی - مسئولش وزارت بازرگانی است. وزارت بازرگانی وضعش خراب است از آن جا کالاها را برمی‌دارند می‌برند و احتکار می‌کنند.

طاهری - من از دولت و از مسئولین اگر بخواهم صدها هزار مسائل در رابطه با توزیع وجود دارد، لذا این قسمتها را من از دولت نمی‌خواهم. از دولت خواهش می‌کنم که هر چه زودتر راه دشت ارژن به کازرون که یکی از خواسته‌های دیرینه مردم شریف کازرون است هر چه زودتر شروع کنند به ساختن آن و همچنین بیمارستانی که طرح آن هم تصویب شده چون کازرون یکی از شهرهای پشت جبهه می‌باشد که واقعاً لازم است هر چه زودتر این بیمارستان درست بشود لذا از وزیر محترم بهداری می‌خواهم که دستور بدهند این بیمارستان را هر چه زودتر دست به کار بشوند و همچنین مسأله گاز است که در آن جا طرحی هست که تهیه شده برای دادن گاز به مردم که این خودش خیلی مؤثر است در قسمت سوخت. لذا از وزیر محترم نفت هم می‌خواهم که هر چه زودتر دستور بدهند که لوله کشی گاز و دادن گاز که لوله اصلی هم نزدیک کازرون است این کار هم انجام بگیرد تا یان مردمی که این همه شهید داده‌اند اقلأً بعد از سه سال و

خرده‌ای پس از پیروزی در کازرون هم دولت کاری کرده‌باشد. والسلام‌علی من اتبع الهدی.

کاظم نوری - آقای طاهری خدا را هم در نظر بگیرید.

فؤاد کریمی - شما یک کلمه از وزارت بازرگانی نگفتید، نگفتید که از طریق وزارت بازرگانی آهن را دارند قاچاق می‌کنند. فاستونی در این مملکت همین طور دارد به بخش خصوصی داده می‌شود این را نگفتید. طاهری - همه اش را من گفتم.^{۱۸}

پیشنهاد حذف

بسم الله الرحمن الرحيم.

در این هیأت هفت نفره یکی از اعضاء یک نفر از جهاد است. باید افرادی که در این هیأت شرکت دارند هر کدام به یک نحوی کارشان مربوط بشود به امر واگذاری زمین، فرضاً روحانی که در این هیأت است بیشتر به خاطر آن مسائل فقهی و اسلامی و شرعی لازم است که باشد. نماینده وزارت کشور از لحاظ این که امور کل کشور و امور داخلی مربوط به او می‌شود (فرمانداریها و همچنین بخشداری) اما هیچ محلی برای نماینده جهاد وجود ندارد زیرا که ما در اساسنامه جهاد هم قبول نکردیم آن پیشنهادی که آن‌ها دادند کشور به دو قسمت بشود و روستاها دست ما باشد. با توجه به این که اولاً اساسنامه جهاد هنوز روشن نشده و تصویب نشده است و حدود وظایف کارش دقیقاً قانونی نشده است. لذا من پیشنهاد می‌دهم که در این هیأت نماینده جهاد نباشد با توجه به این که اصولاً جهاد مخصوصاً از لحاظ ایدئولوژی و افرادی که در جهاد جمع شده‌اند اغلب آشنایی به مسائل اسلامی ندارند. در همین مجله جهاد که دیروز در مجلس پخش شد در صفحه ۴۴ آن راجع به تجارت خارجی

ببینید چه مطلبی گفته شده است. دقیقاً تمام مطالبش خلاف شرع است ولی به عنوان مطلب اسلامی بیان شده است افرادی که چنین مقاله‌ای می‌نویسند و این اندازه آشنائی به اسلام ندارند این‌ها چه طوری می‌توانند فردا در یک هیأت‌های هفت نفره باشند و با زمینهای مردم آن طوری برخورد کنند. لذا پیشنهاد می‌شود که با بودن نماینده وزارت کشور که وزارت کشور در روستاها هم بخشداری دارد و آن‌ها را فرا می‌گیرد هیچ جایی برای نماینده جهاد نیست. لذا من پیشنهاد حذف دارم.^{۱۹}

پیشنهاد حذف تبصره

بسم الله الرحمن الرحيم . اول با توجه به اصل خود ماده و ماده قبلی که به طور کلی دست بانک باز است که این وامها را در اختیار مؤسسات قرار بدهد و به طور کلی مؤسسات دولتی را اولویت داده و تعاونیها و بخش خصوصی در مرتبه بعد قرار داده و به طور کلی این ماده زیادی است. یعنی در همان اصل ماده و ماده قبلی بانکها به راحتی می‌توانند تصمیم بگیرند که با توجه به اولویت‌ها بخش خصوصی را در این زمینه کنار بگذارند. و هیچ لزومی ندارد این جا ذکر بشود، بلکه ذکرش شاید به خاطر این باشد که بخش خصوصی که باید کلیه فعالیتها به خود مردم واگذار بشود و بارها هم عوض کرده‌ام که بخش خصوصی دیگر به معنی هژبر یزدانیان نیست، بخش خصوصی یعنی همه مردم، یک فرد عادی هم که می‌خواهد کار کند و کسب و کار و تجارت داشته باشد، به او بخش خصوصی گفته می‌شود و هیچ دلیلی ندارد که یک فردی که دولت به او اجازه بدهد در امر صادرات چیزهایی که دولت به او اجازه داده وارد کند یا صادر کند و اگر نیازی به وام و اعتبار داشته باشد که به نفع مملکت است، این محروم بشود از بانک که قصدش خدمات مالی و اعتباری است.

لذا من پیشنهاد حذف این تبصره را می‌دهم که در ضمن آن شبهه جنگ با بخش خصوصی هم از بین برود و همچنین تصویری نشود که مجلس یا افرادی با بخش خصوصی دشمنی دارند.^{۲۰}

طرح سرال از وزیر راه و ترابری

بسم اله الرحمن الرحیم،

سؤال بنده اصلش از رئیس دولت بوده اما بعد به علتی که شورای نگهبان در تفسیرهایش مانع شده و نظر شورای نگهبان این است که از نخست وزیر نمی‌شود سؤال کرد این بود که با نظر هیأت رئیسه این سؤال به دو قسمت و به دو وزیر مربوط شد یکی وزیر بازرگانی و یکی هم وزیر راه و ترابری که حالا فعلاً قسمتی که مربوط می‌شود به وزیر راه مطرح می‌شود و فعلاً اصل سؤال این است که چرا با وجود صدها هزار تن آهن که در بندر عباس دپو شده‌ما می‌بینیم که در اکثر شهرستانها از جمله تهران هزارها نفر در نوبت هستند و بعضی نوبتها از یک سال گذشته. علت این که سؤال از آقای نخست وزیر شد این بود که در گذشته سؤالی شبیه به این سؤالات از وزیر بازرگانی شد و وزیر بازرگانی جواب داد که من وظیفه داشتم آهن و یا فلان جنس بخرم تا بند رو یقه‌اش به عهده وزیر راه و وزارت راه و ترابری هست که این‌ها را حمل کند به مراکز استانها و شهرستانها بعد مجدداً ادارات بازرگانی این آهن‌ها را توزیع کنند بین مردم. از نوع سؤال همان طور که اعضای هیأت رئیسه هم قبول کردند، فرمودند که حقیقت همین است سؤال مربوط می‌شود به شخص دولت و رئیس دولت که کارش این است که بین وزراء باید هماهنگی کند. این قبول است که اگر سؤالی شش دانگ مربوط به وزیری باشد باید آن وزیر را آورد و سؤال کرد تا قضیه روشن بشود. اما ما یک سری مسائلی داریم در مملکت

که واقعاً به چند وزیر مربوط می‌شود و این وظیفه نخست وزیر هست که بین این وزراء هماهنگی کند و اگر نخست وزیر در این مسؤولیتش درست هماهنگی نکند. ما نمی‌توانیم از دیگری سؤال کنیم. باید از خود نخست وزیر سؤال کنیم ولی بالاچار ما مجبور شدیم این کار را بکنیم. امیدوارم که شورای نگهبان به این قسمت توجه بفرمایند که سؤالاتی که مربوط می‌شود به چند وزیر و وظیفه نخست وزیر است که بین این‌ها هماهنگی به وجود بیاورد آن‌ها را مستثنی کنند تا ما بتوانیم سؤال کنیم و واقعاً دولت هم بیاید جواب بدهد و حالا من این سؤال را می‌شکافم که چه طوری مربوط می‌شود به نخست وزیر و چه قدر مربوط به وزراء می‌شود. شما ببینید از آن طرف نیاز مملکت محاسبه می‌شود این قدر آهن می‌خواهیم وزیر بازرگانی می‌رود این آهن‌ها را می‌خرد و می‌آورد روی دریا بدون توجه به ظرفیت کشتی کامیونهای مملکت و نیروهای که برای حمل کالاها هست. بعد نتیجه چه می‌شود؟ ما باید روزانه میلیونها دلار میراژ بدهیم به این کشتی‌ها یعنی با دست خودمان باعث شدیم که یک ضرر بزرگی به این مردم و مستضعفین بزنیم یعنی ما حاضر نمی‌شویم، دولت حاضر نمی‌شود. وزیر راه و ترابری حاضر نمی‌شود این کامیونها را یک مقداری از این ارزی که می‌دهند به سرمایه‌دارهای خارجی این کشتی‌های بزرگ خارجی یک جزئی از آن را بدهند قطعات یدکی، یک جزئی از آن را هم کرایه را ببرند بالا و یک مقدار هم آزادی بدهند به رانندگان و کامیون‌دارها و گاراژها ببینید چه طوری مثل سیل این کالاهای ما از بنادر سرازیر می‌شود به سوی کشور و این وظیفه این وزراء و هیأت دولت و نخست وزیر است اقلماً حالا که مقید هستند به یک سری مقرراتی و علاقه‌ای هست که خیلی چیزها دولتی بشود، توزیع هم دولتی بشود خوب اقلماً بیاید هماهنگی کنید. سؤال این است که چرا شما که ظرفیت کافی با

هماهنگی نکردید، آهن بیش از اندازه خریدید که آهن‌ها بیاید روی دریا، ماهها بماند، دمیراژ بدهیم، بعد هم که این‌ها را خالی کردیم در صحرا و زمین بماند، در رطوبت کنار دریا بماند و به تدریج زنگ بزند و یک ضرر بزرگی است واقعاً به مملکت و ملت و مخصوصاً مستضعفین و ثروت و ارز این مملکت با دست خودمان، با اختیار خودمان می‌ریزیم در جیب سرمایه‌دارها و اگر این هماهنگی شده بود اقلأً یک سرمایه‌هنگفتی، یک ارز زیادی را ما نمی‌دادیم به این سرمایه‌دارها.

این‌جا حالا ببینیم آقای وزیر چه طوری جواب می‌دهند من هر چه فکرش را می‌کنم می‌بینم باید نخست وزیر جواب بدهد چون قبلاً هم سؤال شده آقای وزیر راه جواب دادند و جواب هم در حد خودش قابل قبول است می‌گویند من این قدر کامیون دارم، امکانات کشور این است. بیش از این نمی‌توانیم حمل‌کنم پس خود به خود آن بارها روی دریا می‌ماند. پس چه کسی هست که باید بیاید بین این دو وزیر هماهنگی کند؟ این نخست وزیر است. لذا من خواهش می‌کنم این است که شورای نگهبان توجه کند به این قسمت. و اما قسمت دوم...

یکی از نمایندگان - این‌ها مربوط به این سؤال نیست.

طاهری - این‌ها همه مربوط به این سؤال می‌شود. ما می‌خواهیم مشکل حل بشود نه این‌که می‌خواهیم وزیر را بیاوریم زیر سؤال که بگوئیم آقای وزیر تو مدیریت ضعیف است. نه بنده چنین نیتی ندارم. در عین حالی که کمال اعتقاد را دارم به وزراء که همه مدیریتشان هم خوب هست. اشکالات جاهای دیگر است. یک سری اشکالات ما در قوانین مان است باید این‌ها را اصلاح کنیم یک سری اشکالات ما در همین قضیه توزیع است.

نایب رئیس - حالاً به هر حال دقت بفرمائید که آن چه که مربوط به ایشان است باید در این سؤال بیاید ، چون خودتان هم اول اشاره کردید.

مهندس طاهری - بلی این ها به هم مربوط است، قابل تفکیک نیست مملکت، هیأت دولت یک پیکر واحدی است، رأسش هم نخست وزیر است، این ها به هم مربوط می شودف بنده نمی توانم تفکیکش کنم، این طوری جواب داده می شود در هر صورت یکی قضیه این است که می - خواهم عرض کنم که علت این خسارتها و این سرمایه های اضافی که با ارزشها به این ها می دهیم، باز باعث این است که دائم داریم به ستمی که توزیع دولتی کنیم، انگیزه ها از بین می رود موقعی که توزیع دولتی بشود، کامیونها اجازه نداشته باشند، گاراژها خودشان اجازه نداشته باشند، اختیار نداشته باشند. خود به خود مردم از صحنه اقتصاد خارج می شوند . موقعی که مردم از صحنه اقتصاد خارج شدند کار متمرکز می شود روی دوش چند نفر، خود به خود می ماند و آنچه که خواسته آقای وزیر است این است که خوب این همه آهن آن جا دپو شده و وزیر بازرگانی می گوید وظیفه وزیر راه و ترابری است وظیفه ترابری وزارت راه است که این ها را حمل کند به تقاطعی که مورد نظر ما است، حالا این قسمتش جواب بدهند، حتماً قبلاً جواب داده اند و جوابشان هم این است که بلی ما یک سری امکاناتی داریم ، یک مقدار کامیون هم خریدیم، یک کمی هم خوب چه کار کنیم کامیون دارها آن جا نمی آیند ، حالا ان شاء الله که یک جواب قانع کننده ای بدهند.

نژاد حسینیان (وزیر راه و ترابری) - بسم الله الرحمن الرحيم. البته خوب یک مقدار جوابها را خود برادرمان اشاره فرمودند ، من می خواهم از فرصت استفاده کنم و واقعاً یک مقدار مختصری راجع به این مشکلاتی که الآن ما به طور کلی در رابطه با حمل و نقل و واردات کالا داریم و این که

راه پیدا کردن ریشه این مشکلات چیست؟ و ما بایستی واقعاً فشار را روی چه بیاوریم بعضی وقت ها ما یک دردی را در جامعه می بینیم ولیکن واقعاً چون ریشه یابی صحیح نمی شود باصطلاح فشار و هجوم به یک قسمت دیگری ات و خوب این قاعدتاً مشکلات ما را حل نمی کند . من فکر می - کنم عملکرد هر بخش از فعالیتهای اقتصادی و اجرائی مملکت را ما بایستی با در نظر گرفتن شرایط خاص مملکت و اثری که عملکرد سایر بخش ها بر این بخش مشخصی دارد، بر این اساس ارزیابی کنیم و مشکلاتش را ریشه یابی کنیم و اگر غیر از این عمل بکنیم، یعنی اگر الان می بینیم فرض بفرمائید کشتی روی آب منتظر نوبت است و یا کالا دراخل مبادی ورودی کشور انباشته شده، به این دلیل بیایم فشار بیاوریم که آقا فرض بفرمائید کنترلی که دولت از روی مبادی ورودی کشور دارد، این را بر دارید تا قضایا حل بشود، خوب این به نظر من یک نتیجه گیری صحیح نیست، یعنی زیاد شدن کالا و انتظار نوبت کشتی ها دلایل دیگری دارد که آن ها ایستی بررسی بشود و اگر سهم حمل و نقل مملکت را می خواهیم ببینیم، حمل و نقل مملکت الان سالم است یا سالم نیست و با روشی که اجرا می شود درست است یا درست نیست، بایستی اثرات سایر بخش ها را روی این در نظر بگیریم و با در نظر گرفتن این ها عملکرد این بخش را بررسی بکنیم . من فکر می کنم برای این که مسأله حمل و نقل کشور را ما بررسی بکنیم بایستی اثرات جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی، دولتی شدن تجارت خارجی، تغییر سیستم بازرگانی داخلی کشور، مشکلات توزیع همه این ها را در نظر بگیریم و کار حمل و نقل در مملکت را ارزیابی کنیم.

اما اثرات جنگ تحمیلی بر روی حمل و نقل : ما از بنادر خرمشهر و آبادان بالکل استفاده نمی کنیم، از بندر امام گاه گاهی استفاده می کنیم ،

نتیجه این عمل این است که در اسکله هایمان محدودیت داریم یعنی حدود دو سوم از اسکله ها الآن دارای این شرایط است، ضمناً ما در بندر امام و در بندر خرمشهر راه آهن داریم، در سایر بندرمان راه آهن نداریم، یعنی در بندر عباس و بوشهر و بندر شمالی ما راه آهن نداریم، در سال ۵۵ بیش از پنج میلیون تن از کالاهای وارداتی کشور که کلاً هفده میلیون تن بوده توسط راه آهن حمل شده، الآن ما این امکان را نداریم، ضمناً فاصله حمل دورتر شده یعنی اگر بار ما از بندر امام و بندر خرمشهر وارد کشور بشود، چون طول حمل دریائی آن بیشتر است یعنی کشتی از تنگه هرمز بیشتر داخل می شود. اما طول حمل زمینی مان کمتر است، فاصله تهران تا بندر امام و خرمشهر حدود هزار کیلومتر است، فاصله بندر عباس حدود هزار و پانصد کیلومتر است، یعنی در حقیقت تن کیلومتر بار ضرب در یک و نیم می شود، از واردات کشور شما در نظر بگیرید ، آن مقداری که قبلاً از خرمشهر و بندر امام می آمده ، الآن مجبور است که از بندر عباس و بندر بوشهر و چاه‌بهار فاصله حملش هم از این هم بیشتر است، حدود دو هزار کیلو متر است، پس بنابراین ما به دلیل این مشکلات جنگ الآن طول حمل مان بیشتر شده یعنی یک کامیونی که فرض بفرمائید در ماه شش نوبت می توانست به خرمشهر و بندر امام برود الآن خیلی زور بزنند مثلاً چهار نوبت به بندر عباس می رود ، در نتیجه این مقداری از میزان حملو نقل ما کم می کند. جابه جایی جمعیت داریم، ما تعداد حدود یک و نیم ، دو میلیون نفر شاید مردمی که در خوزستان و ایلام و نزدیک مرز بودند به دلیل جنگ جا به جا شدند ، شما کل مواد غذایی و موادی که برای این ها وارد می کنید آن موقع به خود اهواز و منطقه خوزستان می رسید، حالا باید بیاورید هزار کیلومتر دورتر، خوب این ها همه جا به جایی حمل کالا است ، حجم عظیم حمل و نقل ما در رابطه با جنگ داریم، راه آهن

نزدیک به سه میلیون تن کالاهای نظامی حمل کرده، خوب این آن زمان نبوده، قبل از جنگ این حمل و نقل نبوده پرسنل نظامی، تعداد زیادی از قطارهای ما فقط نیروهای نظامی را حمل می‌کند، حجم عظیم حمل و نقل در رابطه با بازسازی یعنی شما کاری که الآن در مملکت در رابطه با بازسازی می‌شود و مشکلاتی کمبود مصالحی که در آن نقاط است ببینید و الآن آجر از مازندران و آن جاها دارند به شهرهای خوزستان می‌آورند و مخصوصاً به دلیل آزادی و این که کار، کار دولتی نیست، کار بازسازی و استانهای مختلف در این قضیه دخالت دارند و هر استانی سعی می‌کند که این وظیفه‌ای که به عهده‌اش هست این وظیفه را بهتر و بیشتر انجام بدهد و آن مشکلات پرداخت کرایه و این‌ها را ندارند، خود همین مسأله یک مسأله‌ای است که در حمل و نقل ما به اصطلاح قیمت‌های حمل و نقل را بالا برده و نتیجتاً این است که کامیون به بنادر و این‌ها کمتر می‌آید. محاصره اقتصادی که ما در گذشته داشتیم باعث شده سال ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ واردات مملکت کم بشود، آمار واردات در این دو، سه سال را شما ببینید و از سال گذشته یک دفعه هم وضع ارزی مملکت به حمدالله خوب شده. هم آن مشکلات برطرف شده، حالا تمام کارخانجات و مردم، نمی‌دانم این کمبودهایی که بوده ما می‌خواهیم یک دفعه شش ماهه، یک ساله این‌ها را جبران کنیم، خوب چنین چیزی امکان ندارد. ورود ماشین آلات و قطعات یدکی بعد از انقلاب به دلیل محاصره اقتصادی محدود شده، انبارها تمام شده و الآن این طور نیست که ما قطعات یدکی کم سفارش‌ده باشیم، من این را چند بار این‌جا عرض کردم، سال گذشته پانصد و بیست میلیون دلار قطعات یدکی گشایش اعتبار شده، ولی کن به دلیل این که آمار دقیق نبوده، کمبودها مشخص نبوده، تجارت خارجی دولتی شده، سیستم بازرگانی داخلی مملکت تغییر کرده، الآن این مشکلات توزیع هست، وازم

یدکی، سفارش داده شده ولیکن یک وقت می‌بینی یک قطعه‌ای را پانصد شرکت سفارش داده، مدتهاست مانده، یک قطعه‌ای را ده هزار عدد سفارش داده فوری هم تمام شد، رای این که کاری بوده که شرکتهای مختلف، گروههای مختلف انجام می‌دادند، الآن این‌ها توسط یک مرکز یا چند... و به هر حال مشکلاتی است که همه می‌دانیم. روی نیروی کشش راه‌آهن ما اثر داشته است. ما سال گذشته شاید تعداد لکوموتیو در گردش ما حدود هفتاد، هشتاد بود، به حمدالله الآن رسید به صد و سی و چهل. خوب دارد یواش یواش این نیرو اضافه می‌شود و توان حمل و نقل مملکت می‌رود بالا، اما ما از سیصد و خرده‌ای لکوموتیوی که داریم تقریباً بیش از نود و پنج درصدش (جی - ام) آمریکا است، آن پنج درصدش هم ژاپنی است که موتورش آمریکائی است، خوب این وضعیت در آن محاصره نتیجه‌اش این بوده که در نیروی کشش حمل و نقل راه‌آهن ما هم اثر داشته. بالا رفتن تناژ حمل و نقل مملکت به دلیل زیاد شدن تولید، به دلیل زیاد شدن جمعیت، به دلیل جا به جایی جمعیت، به دلیل زیاد شدن راههای کشور ما بیست، سی هزار کیلومتر، بعد از انقلاب راه ساختیم آن روستائی که راه نداشته خوب ماشین هم در آن جا نمی‌رفته حالا که راه ساخته خوب ماشین هم می‌خواهد بارش را ببرد. قاعدتاً تمام این‌ها در حمل و نقل مملکت اثر دارد و شاید آن مسأله‌ای که بیشتر از همه واقعاً بایستی مجلس و همه به آن دقت بکنند، زیادتر شدن مصرف است، ما الآن توزیع در سطح مملکت به هر حال آنطوری که من اطلاع دارم توسط وزارت بازرگانی، به صورت سرانه انجام می‌شود یعنی کاری ندارد این جا تهران است، آن جا فرض کنید یاسوج است، آن فلان ده است نه، هر استانی به نسبت جمعیتش یک ضرابی را در نظر گرفتند، این کالاها را تقسیم می‌کنند، خوب، خود به خود الآن شما اگر به روستاها

بروید، می‌بینید روستائی که تا قبل از انقلاب شاید اصلاً آهن وارد آن روستا نشده بود، الآن همه ساختمان‌هایش آهنی است. خوب بالاخره ما مصرف را زیاد کردیم، در گذشته این جنس را به روستاها نمی‌دادند، همیشه سعی بود که شهرهای بزرگ و تهران تأمین بشود، الآن این حالت نیست

فروغی - سیاست مسکن و شهرسازی را شما در نظر بگیرید.

نژاد حسینیان (وزیر راه و ترابری) - حالا عرض می‌کنم، من دارم کل

حمل و نقل را

می‌گویم، این که مشکلات هست من قبول دارم، اما من می‌خواهم بگویم این‌ها را در نظر بگیرید که واقعاً مسائل حمل و نقل کشور، الآن چه مسائلی در آن مطرح است و میزان واردات نشان دهنده همین است من جلسه گذشته هم که بحث راجع به آن لایحه بود، خدمتتان عرض کردم، بیشترین واردات کشور هفده و دو دهم (۱۷/۲) میلیون تن سال ۵۶ بوده، امسال آن چه که ما در شش ماهه تخلیه کردیم یازده میلیون و ششصد و چهل و نه هزار تن کالا وارد کشور شده، یعنی وارد خاک ما شده. بهنی سال بیستو سه میلیون تن می‌شود و آن چه که حمل شده (۹/۲۶۸) نه میلیون و دویست و ششصد و هشت هزار تن یعنی سال آن می‌شود نوزده میلیون تن... (نایب رئیس - وقت جنابعالی تمام شد) اگر واقعاً فکر می‌کنید که با تمام این مشکلاتی که گفتم در اثر جنگ تحمیلی دور شدن مبادی، تغییر مصرف واقعاً در رابطه با حمل و نقل این عملکرد، عملکرد ضعیفی بوده خوب آن یک بحث دیگر است، من واقعاً فکر نکنم این باشد با توجه به مشکلاتی که هست، اما این که می‌فرمایند. کالا در بنادر هست، کالا در مبادی ورودی هست، از آن طرف هم جنس دست مردم کم است، به نظر من مشکلاتی است که در رابطه با توزیع وجود دارد، زیادتر شدن مصرف

و این که یکی دو سال جنس کم وارد مملکت شده، الآن کمبود هست، همه هم می‌خواهند این کمبود در یک مدت کدتاهی جبران بشود و این به هر حال امکان ندارد. در رابطه با قطعات یدکی و لاستیک و این‌ها هم که فرمودید وزارت راه اقدام بکند و، ارز بدهد، (قاعدتاً برادرها می‌دانند) ربطی این مسائل به وزارت راه ندارد، قطعات یدکی، لاستیک همه در حیظه وظایف وزارت بازرگانی است و ما هم به هر حال خودمان دچار این مشکل هستیم، در رابطه با آهن آلات هم، من آماری که گرفتم در شش ماهه اول امسال یک میلیون و هفتصد و چهل و پنج هزار تن آهن از بنادر ما به داخل حمل شده. (نایب رئیس - وقت تمام است) و در همین مدت دو میلیون و ششصد هزار تن تخلیه شده و این هم اگر باز مقایسه بکنید با قبل از انقلاب فکر نکنم کمتر از ارقام آن زمان باشد.

مهندس طاهری - آقای وزیر یک قسمتی از سؤال من را به شکلی تأیید کردند، قسمت این که باید قطعات یدکی وارد بشود، درست است، مربوط به بازرگانی است در هر صورت این سؤال باز یک جایی باید، چون کاملاً در تنگاتنگ هم است، خیلی به هم مربوط می‌شود، نکته‌ای که هیچ به آن اشاره نشد این بود که حرف من این بود که ما این همه خسارت و دلار و ارز به این سرمایه دارهای خارجی می‌دهیم، چرا یک جزئی از این ارز تخصیص داده نمی‌شود برای این که یک مقداری قطعات یدکی بیشتر وارد بشود. مسأله مهمی که در این سؤال بوده، نا هماهنگی و این ناهماهنگی که این همه به ما ضرر می‌زند، چه کسی باید درستش بکند؟ به عنوان مثال: کارخانه کود شیمیائی فارس هزارها تن کربنات کلسیم تولید کرده و آن جا در بیابان دپو کرده که اگر هم بارندگی بکند، خراب می‌شود، بعد وزیر صنایع رفته نیاز مملکت خریده که باعث شده این‌ها جنسشان فروش نرود، بیفتند این طرف جنسی که ما بیش از نیاز این مملکت داریم و باید

صادر کنیم، به عکس می‌شود، این یعنی نا هماهنگی، چه کسی باید به این برسد؟ این خود به خود اثر می‌گذارد، فردا ما کامیون بیشتر می‌خواهیم، این قسمت را آقای وزیر درست فرمودند که بالاخره مقداری آهن حمل شده به داخل کشور اما آن آهن‌هایی که همان جور آنجا گذاشته میلیون‌ها، صدها هزار تن آهن و دارد زنگ می‌خورد و دارد به تدریج خراب می‌شود مخصوصاً در کنار دریا رطوبت به سرعت آن را خراب می‌کند از آن طرف هم دمورژادیم، این خسارتها را چه کسی باید بدهد، آیا نمی‌شد هماهنگی کنند به اندازه‌ای که حمل و نقل کشور می‌تواند حمل کند. همان اندازه به نوبت وارد کشور می‌شود، این می‌شود یعنی یک کار بسیار ساده- ای هست و آن موقع است که میلیون‌ها دلار صرفه‌جوئی می‌شود. باز من برای این که واقعاً قضیه، مشکل حل بشود و همه هم قبول دارند که این مشکل هست، این ناهماهنگی هست، یک جا این نا هماهنگی باید برطرف بشود یک مقدار هم مربوط به همین مسائل و تصمیم گرفته شده که بیش از اندازه ما کارهای دولتی کردیم، به این هم توجه بشود من نمونه‌های زیادی دارم نشان می‌دهم. که اگر ما مردم را مستقیماً وارد صحنه کنیم، انگیزه‌های افراد و استعداد و رشد این‌ها، آن سدهائی که مانع کردیم برداریم از نظر اقتصادی هم در کشور فعالیت خیلی بیشتر می‌شود، حتی کامیونهای زیادی که الآن ماهی دوبار یا سه بار بیشتر بندر نمی‌روند، این‌ها حاضر می‌شوند که هفته‌ای یک بار بروند و آن کالاها زود برگردد به داخل کشور و موضوع قابل حل است و ان شاء الله که سؤال به کمیسیون برود، که در کمیسیون بلکه آنجا یک راه حلی پیدا شود.^{۲۱}

نطق پیش از دستور

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. بسم الله الرحمن الرحيم. لاحول و لا قوة الا باله العلي العظيم.

با تقدیم سلام بر امام امت شهید پرور و تمام شهدای اسلام و همچنین با سلام بر شهید سید حسین امامی که اولین شهید نبرد مسلحانه علیه رژیم شاه بود و امروز سی و پنجمین سالگرد شهادت او می باشد عرایض خود را به سمع رهبر انقلاب و رئیس جمهور و دولت و مسئولین و نمایندگان محترم و ملت شریف ایران می رسانم. امیدوارم روزنامه های اربعه و صدا و سیما مطالب آن را مثله نمایند و مسئولین توجه نموده تا ان شاء الله مشکلات حل شود.

مشکل اول سرعت در پیروزی جنگ که همه ما منتظر آن هستیم در گرو اعمال ما است. هر چه کبر و غرور و معصیت در مسئولین و فرماندهان کمتر شود و توکل و توسل و اخلاص و اصلاح ذات البین و تواضع به عباد الرحمن زیادتر شود، شتاب و سرعت پیروزی و نصرت خدا بیشتر می شود. به یاد آورید نامه رزمندگان صدر اسلام به حضرت علی علیه السلام را که مرقوم داشته بودند، علت طولانی شدن و عدم پیروزی چیست؟ حضرت در جواب فرمودند یک عمل مستحبی از شما ترک شده است که بعد از توجه و اتیان به آن عمل پیروزی حاصل شد. ما که می گوئیم برای خدا می جنگیم بایستی همه کارمان خدائی شود. یعنی تا اقتصاد ما و دادسراها دادگاهها، سپاه و کمیته و ادارات و قوانین آئین نامه ها و بخش نامه ها اسلامی نشود، پیروزی و نصرت خدا در جنگ به تأخیر می افتد. نصرت خدا در گرو صداقت ما است. مشکل دوم، مسأله اقتصاد است. همان طور که در اوایل تشکیل مجلس عرض نمودم انقلاب شاه که از سال ۴۱ شروع شد، توطئه آمریکا و شوروی برای بیشتر وابسته نمودن ایران بود و جهت این توطئه دولتی نمودن کارها و مردم را از صحنه

اقتصاد و سیاست خارج نمودن و آنها را وابسته و اجیر دولت نمودن و مردم را در حد حیوان و نبات تنزل دادن بود یعنی استضعاف کامل ملت و وابسته کردن کامل آن به استکبار جهانی . متأسفانه بعد از پیروزی انقلاب به علت توطئه‌های آمریکا و شوروی و ایادی آنها و شعارهای تند و چپ و ضد انقلاب، شورای انقلاب هم تحت تأثیر این شعارها قرار گرفت و این راه را با سرعت بیشتری ادامه داد. تا آنجائی که بدون اطلاع امام و ملت و روحانیت بر خلاف حکم صریح اسلام و قرآن ورثه مسلمانان را از ارث محروم نمودند. به دلیل این که ثروتمند در کشور نباشد و به تدریج تمام خانه‌ها و کارخانه‌ها و شرکتها و سایر قسمتهای بخش خصوصی همه و همه دولتی شود. امیدوارم به خدا که شورای نگهبان و دیوان عدالت اداری جلو این قانون ضد قرآنی و اسلامی را بگیرد. خلاصه تمام مشکلات اقتصادی ما در تولید و توزیع و مصرف به خاطر این است که همه در حدود نود در صد یا بیشتر دولتی شده و این کار باعث شده مقدار زیادی از نیروهای مردمی و ابتکارات و استعدادها و انگیزه‌ها از بین برود و روز به روز از نیروهای تولید کاسته شده و وارد سیستم بوروکراسی ادارات شده یا وارد سیستم توزیع شده و به صورت یک واسطه و انگل در می‌آید. مثل این روزها که شاهد هستیم به خاطر این که توزیع و مصرف دولتی و کوپنی و دفترچه‌ای و جیره‌بندی شده، نیروهای کاری، چه زن خانه‌دار و چه نیروهای تولیدگر روستائی که رد روستا مشغول به تولید بوده، کارشان را رها نموده و همت خود را در جهت به دست آوردن کالاهای دولتی قرارداد تا روغن یا کالائی به دست آورده و اضافه بر مصرفش را با قیمت آزاد بفروشد و بدین وسیله ارتزاق نماید و اگر این سیاست ادامه داشته باشد بعه تدریج روستائیان و تمام مردم وارد سیستم توزیع شده و تورم و گرانی بالا می‌رود، که به نظر می‌آید این سیاست ادامه دارد و ربطی به

جنگ و کمبود کالا ندارد زیرا کالاهائی داریم که مقدار وارداتش از گذشته بیشتر است و بیش از نیاز ملت بوده، ولی باز آن را سهمیه بندی کرده‌اند، و دلیل دیگر بر این که ستاد بسیج اقتصادی هدفش مطلقاً کوپنی کردن کالاها است و جنگ و کمبود بهانه، به عنوان مثال تولید شکر ما بالا رفت، اما ستاد بسیج اقتصادی به جای این که تولید اضافی را آزاد عرضه نماید آن را کوپنی جداگانه با کیلوئی ۱۲۰ ریال داده که هیچ لزومی نبوده اضافی را کوپنی نمایند، زیرا زائد بر مصرف می‌باشد و روی آن سوبسید نیست. خلاصه این همه مشکلات ناشی از دولتی کردن تولید و توزیع و مصرف و متورم نمودن پرسنل دولت و کنار زدن مردم از صحنه اقتصاد می‌باشد. و راهی برای حمایت از محرومان و مستضعفان نیست، مگر برگشت به احکام اسلام و به دور ریختن بدعتها از قبیل قیمت گذاری و سهمیه بندی های بی مورد و غیر ضروری و تعاونیهای دولتی و قانونهای خلاف شرع مجلس طاغوت و شورای انقلاب. و باید دولت توجه فرماید که امر مستضعفین اصلاح نمی‌شود مگر به اصلاح امر سرمایه‌دارها و مالیات بده‌ها. لذا توجه دولت را به قسمتی از نامه حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر که شاهد این معنی است، جلب می‌نمایم. عبارت ۴۷ از نامه ۵۳ «و تفقد امر الخراج بما یصلح اهله فان فی صلاحه و صلاحهم صلاحاً لمن سواهم و لا صلاح لمن سواهم الا بهم...الی آخر».

اشکال سوم مربوط به قوه قضائیه می‌باشد. با وجود این که نیت مسؤولین قوه قضائیه بر اسلام و عدالت است اما متأسفانه با وجود تمام ارشادات امام باز در این قوه ظلم هائی به چشم می‌خورد. این ظلم‌ها در همه قسمتها وجود دارد. در بازجویی، در قضاوت، در زندان و در عفو و در تحقیقات. اما آن چه که باعث این ظلم‌ها شده یکی دوگانگی در ضابطه‌ها و قانون‌ها است. دوم نظرهای مختلف دادگاههای انقلاب در

تشخیص موضوع و سوم این که شیوه قضاوت مرکزیت نداشته و حکم مربوط به سه مرحله جدا از هم می‌شود. تشکیل پرونده که اکثراً این کار را واحد اطلاعات و تحقیقات سپاه انجام می‌دهد، که این‌ها ناشناخته‌اند و افرادی نفوذی تاکنون از منافقین در آن‌ها دیده شده است.

دوم پیشنهاد حکم به وسیله قاضی با دیدن متهم و پرونده که به این شکل تشکیل شده.

سوم صدور حکم به وسیله دادگاه و قاضی دیگر بدون متهم و این سه مرحله‌ای بودن قضا به این طریق باعث ظلمهایی شده و خواهد شد. و اما راه حل منطقی این است. به طوری که اشتباه کمتر شود تا زمانیکه ما قاضی خوب یعنی مجتهد متقی به حد کافی نداریم از دو کانال مختلف و جدا از هم روی متهم کار شود اگر نتیجه دو تحقیق و دو حکم یکی شد، حکم اجرا شود. دیگر عاملی که باعث ضعف قوه قضائیه شده این است که ناظری بر سر آنها نیست و مجلس هم نمی‌تواند از آنها سؤال نماید و این خود باعث شده، کسی که از خدا نمی‌ترسد ترس از دیگری هم نداشته باشد. دیگر از عواملی که باعث ضعف قوه قضائیه شده این است که بعضی از دادرهای انقلاب انفعالی برخورد نموده و حکم بازداشت و دستگیری ندانسته امضاء کرده‌اند، و معمولاً واحد اطلاعات سپاه هر کس را که بخواهد می‌گیرد و بعد از دادستان امضاء می‌گیرد و اگر دادستان با او هماهنگ نشود علیه او جوسازی می‌کند، و او را از صحنه خارج می‌کند. البته این کار در اقلیت است و کلیت ندارد و امیدوارم با رهنمودهای امام تمام اشکالات از بین برود. در ضمن با توجه به اینکه هنوز این اشکالات وجود دارد جا دارد عفو پیغمبر گونه امام شامل حال زندان‌ها شود، مخصوصاً توابعین که به نظر بنده اکثر آنها تائب و آزادی آنها به سود جمهوری اسلامی و به ضرر گروهک منافقین می‌باشد. ولی متأسفانه عوامل

نفوذی در داسراها و در جاهای دیگر با برنامه‌هایی توانسته‌اند نظر شیطانی خود را به مسئولین القاء نموده به این معنی که توابعین دروغ می‌گویند و اینها را نباید آزاد نموده و این شیاطین می‌خواهند همیشه آب را گل آلود نگه داشته تا بتوانند چند صباحی خوراک تبلیغاتی برای بلند گوه‌های استکبار جهانی و انگیزه مبارزه برای افراد خود درست نمایند.

اشکال چهارم که باعث مقداری هرج و مرج در کارهای اجرائی شده، وجود دوگانگی قانون است. تضاد اسلام با (رئیس - آقای مهندس وقتان تمام است) بعضی از سخنرانیها و با بعضی از قوانین و مقررات موجود می‌باشد. کسی که... (رئیس - وقتان تمام است و شما هنوز چند ورق دارید..). خیر تمام شد کسی که ۲۰ کیلو برنج از شمال خریده بود و حق شرعی و عرفی خود می‌دانست که آن برای مصرفش یا برای فروش به تهران بیاورد، اما مأمور انتظامی می‌گوید طبق مقررات اجازه نداری. صاحب برنج بر اساس حق شرعی خود و حلال خدا اعتنا نموده و حرکت می‌نماید. (موحدی ساوجی - وقت ایشان کوپنی هم باشد تمام است، آزاد هم باشد تمام است) آن مأمور به حکم ضابطه شورای اقتصاد و ستاد بسیج اقتصادی یا مرجع دیگر...

رئیس - آقا وقتان تمام است. بدهید بعداً برایتان می‌خوانند شما عینک هم ندارید و نمی‌شود بخوانید.

مهندس طاهری - ...یا خودش او را به رگبار مسلسل می‌بندد و...^{۲۲}

پیشنهاد حذف

بسم الله الرحمن الرحيم.

با توجه به اینکه در نظام جمهوری اسلامی به تدریج کارها دارد تقسیم بندی و منظم می‌شود، این است که ما باید کوشش کنیم در تصویب قانونها

کلاً این مسأله مهم را رعایت کنیم که مسؤولیت هر وزارتخانه‌ای معلوم و مشخص باشد. مسائل امدادی از قبیل کمک به زلزله و امثال اینها یا حتی کمک به جنگ، هر کدام وظیفه‌ای به عهده ارگان مربوطه است. مسائل امدادی از قبیل کمک به زلزله و سیل و امثال اینها اصلش به عهده هلال احمر است که او به موقع وقتی مسأله‌ای پیش بیاید از همه مردم کمک می‌گیرد، حتی از کشورهای خارج، از مسلمانهای جهان کمک می‌گیرد، کمک می‌دهند و همچنین از وزارتخانه‌ها و هر دستگاهی که بتواند کمک بدهد در آن مسأله‌ای که پیش آمده، همه کمک می‌دهند. پس اصل مسؤولیت در مسأله‌هایی از قبیل زلزله و اینها به عهده هلال احمر است. موارد دیگر مثل جنگ که اصلش به عهده ارتش و سپاه و نیروی دفاع است. با توجه به اینکه کار در جمهوری اسلامی و در قانون ما این قبول شده است که هر وزارتخانه‌ای که مسؤولیتی به عهده‌اش هست، می‌تواند از سایرین، از مردم، از وزارتخانه‌های دیگر کمک بگیرد و هیچ نیازی به ماده خاصی نیست. این است که اینجا این ماده هیچ لزومی ندارد که بیاید و جهاد هم در هر مسأله‌ای بخواهد کمک کند و هر وزارتخانه‌ای که از او کمک بخواهد، آن هم امکان داشته باشد، این عمل انجام می‌گیرد. با توجه به اینکه در ماده ۱۵ مخصوصاً این جمله آمده است «شرکت فعال در موارد حساس و ضروری» کمک فعال معنی‌اش این است که فردا جهاد می‌گوید که این موضوع به طور اساسی دست من است، یعنی من باید نقش فعال داشته باشم، مجلس تصویب کرده که در این مسأله جنگ، زلزله و سیل، من باید نقش فعال داشته باشم. فرضاً دستگاه ذی ربط کمک نمی‌خواهد، یا اینکه کمک خاصی می‌خواهد، ممکن است جهاد بیاید و ناهماهنگی ایجاد بشود و مسائلی ایجاد بشود و مسؤولیت لوٹ بشود. لذا پیشنهاد من این است که این ماده حذف بشود و جهاد هم با توجه به اینکه هر کاری به وزارتخانه

خاصی محول شده و آن وزارتخانه حق دارد اگر خودش توانائی آن کار را نداشته باشد. کمک بخواهد، کمک بگیرد. از جمله از جهاد کمک بگیرد و هیچ نیازی نیست که این مسأله باشد که خودش در عمل هرج و مرج و ناهماهنگی به وجود می‌آورد و به طور کلی باید ما سعی کنیم ان شاء الله برای اینکه جهاد قوی داشته باشیم و زیاد زیر سؤال نرود کارش را محدود کنیم، همانطور که مجلس هم تصویب کرد، کارهای اصولاً عمران روستائی، همانطور که تا الآن هم بعضی موادش تصویب شده است از قبیل راه‌های روستائی و امثال اینها، کلاً همین کار را جهاد به تنهایی بتواند انجام بدهد که کم کاری نیست و یک کار زیر بنائی و اساسی است. این است که از نمایندگان خواهش دارم که توجه کنند برای اینکه هرج و مرجها و ناهماهنگی‌ها از بین برود، جهاد هم واقعاً تکلیفش روشن باشد و همه کاره هیچ کاره نشود، کارش دقیقاً در این چهارچوب مشخص بشود. لذا من پیشنهاد حذف ماده را دارم.^{۳۳}

پیشنهاد حذف

بسم اله الرحمن الرحیم. این پیشنهاد من تقریباً همان نظر دولت که از اول به همین صورت بوده اصلاح می‌شود. یعنی کلیه مدیران عامل شرکتهای تعاونی و کلیه شرکتهای تعاونی که عملیات اینها و عمل مدیران عامل در جهت تحکیم رژیم بوده‌اند اینها حذف بشود و شما می‌دانید که تعاونی‌هایی بوده‌اند که اینها جنبه مردمی داشته‌اند، خدماتی به خود مردم می‌دادند و حتی مدیرعامل‌هایشان کمک به مردم می‌کردند. کلمه «و کسانی»

اگر حذف بشود آن قید تحکیم مبانی رژیم مشخص می‌شود و ماده کاملاً اصلاح می‌شود و نظر دولت هم تأمین می‌شود.^{۲۴}

پیشنهاد حذف

بسم الله الرحمن الرحيم،

پیشنهاد حذف ماده ۳۶ به این خاطر هست که توجه بفرمائید در این ماده پیش بینی شده که همه مسؤولین از رئیس جمهور گرفته، نخست وزیر و وزراء و همچنین معونین و مشاورین و استانداران همه اینها را شامل می‌شود توجه بفرمائید اگر که عده‌ای از اینها استعفا بدهند و بخواهند کاندیدا بشوند برای نمایندگی مجلس، کار مملکت مختل می‌شود هر چند بتوانند سر کار خودشان باشند اثر منفی می‌گذارد روی کل مملکت و اگر از جهت تبلیغاتی باشد تنها دلیلی که برای محروم شدن این افراد هست این است که گفته می‌شود اینها از سمتشان استفاده می‌کنند برای کسب آراء بیشتر. اگر این معنا صحیح باشد و اینها بتوانند از سمتشان استفاده کنند برای آراء بیشتر همین معنا برای خود نمایندگان مجلس وجود دارد و حال اینکه تمام نمایندگان مجلس و همچنین کلیه مسؤولین اینها از یک شرایط یکسانی دارند از نظر تبلیغاتی استفاده می‌کنند و لذا همه اینها باید بتوانند به طور عادی کاندیدا بشوند و اگر وزیری یا استانداری کاندیدا شد اگر رأی آورد بعد از اینکه رأی آورد آن موقع مستعفی حساب می‌شود و می‌آید مجلس لذا پیشنهاد من این است که کلاً این ماده حذف بشود تا اشکالی در امر انتخابات کلاً نباشد.^{۲۵}

پیشنهاد حذف

بسم الله الرحمن الرحيم.

با توجه به اینکه گاهی دیده شده که در مسأله آئین نامه که دولت تصویب می‌کند موادی در آن هست که شأن مجلس و کار مجلس است. با توجه به اینکه در کار مجلس دولت هیچ گونه دخالتی نباید داشته باشد که استقلال مجلس کاملاً حفظ بشود پیشنهاد بنده این است که این ماده حذف بشود چون تمام مسائل اجرایی هم در این مواد آمده است. یعنی ما ۱۰۰ ماده پیش بینی کردیم که کلید مسایل اجرایی را هم در نظر گرفتیم، و اگر گیرم موضوع اجرایی هم باشد باید باز به تصویب مجلس یا یکی از کمیسیونهای مجلس برسد.^{۲۶}

موافقت با پیشنهاد

بسم الله الرحمن الرحيم.

این مسأله بارها در مجلس مطرح شده که ما باید هر چه بیشتر سعی کنیم که هم بودجه کشور را به طور واقعی در بیاوریم و سوبسیدها کلاً حذف بشود و هم اینکه قیمتها در جامعه یک قیمت واقعی و صادقانه باشد، و اگر این طور بشود اقتصاد ما سالم می‌شود و هر چیز در جای خودش قرار می‌گیرد و آن قسطی که منظور ما هست، پیاده می‌شود. و چون یک دفعه مشکل است که ما همه سوبسیدها را حذف کنیم این است که بهتر است به تدریج کسر کنیم. لذا این پیشنهاد که از ردیف ۵۰۳۰۰۶ دو میلیارد کسر بشود، و این مسأله یک قدم به سوی خود کفائی و کمک بزرگی به دولت و بودجه می‌شود، و این مسأله هم که آقای دکتر شیبانی می‌فرمایند اولاً برای اکثر مردم رقم دو ریال اضافه بشود هیچ تأثیری ندارد، یک نفر که در روز مجموعاً پنج ریال یا حداکثر شش ریال بخواهد اضافه بدهد، چون من حساب کردم این دو میلیارد که ما کسر کنیم حداکثر

لازم است فرضاً دو ریال روی قیمت‌ها اضافه کنیم یا بعضی خرج‌های دیگر که شرکت واحد اتوبوسرانی دارد، کسر کند. یا ماشین‌هایی که دارد، کنار افتاده، به کار بیندازد. بودجه‌های زیادی دارد، می‌تواند صرفه‌جوئی کند که جبران این دو میلیارد بشود. لذا پیشنهاد می‌شود که این رقم کسر بشود تا ان شاء الله قدمی به سوی خود کفائی برداشته بشود.^{۲۷}

منابع و مأخذ :

-
۱۱. - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۵، صص ۱۰-۱۱.
- ۱۲-۱۴. - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۲۴، صص ۱۲-۱۴.
۲۷. - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۱۲۰، صص ۲۷.

۳. - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۱۲۲، ص ۲-

صص ۳۴-۳۵. - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۱۲۳،

صص ۱۸-۱۹. - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۱۲۵،

صص ۵-۸. - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۱۲۶، صص

صص ۳۷-۳۸. - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۱۴۷،

صص ۱۸. - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۱۸۹،

صص ۱۹. - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۱۹۰،

صص ۲۷. - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۲۳۰،

صص ۲۲-۲۳. - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۲۴۱،

صص ۱۹-۲۰. - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۲۴۵،

صص ۱۸. - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۲۴۸،

ﷺ - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۲۷۰، ص ۳۷ - ۴۱.

ﷺ - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۳۰۶، ص ۳۲.

ﷺ - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۳۳۵، ص ۳۷.

ﷺ - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۳۶۸، صص ۱۳ - ۱۴.

ﷺ - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۳۹۱، صص ۱۸ - ۱۹.

ﷺ - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۴۷۵، ص ۱۷.

ﷺ - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۵۱۷، صص ۲۷ - ۲۹.

ﷺ - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۵۳۱، صص ۱۴ - ۱۵.

ﷺ - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۵۳۳، ص ۱۶.

ﷺ - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۵۶۹، ص ۲۳.

ﷺ - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۵۶۸، ص ۲۴.

۲۶. - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۵۷۴، ص

۲۵. - مذاکرات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، جلسه ۵۹۸، ص

کازرون و نمایندگان منتخب

(جلد اول)

از استقرار جمهوری اسلامی تا مجلس هفتم

تألیف: غلامرضا دهقان ناصر آبادی

<http://namayandeh.kazeroon.net>

email:dehghan@kazeroon.net